

## بررسی رابطه انگیزش تحصیلی و مولفه های آن با پیشرفت تحصیلی سواد آموزان دوره انتقال شهرزابل

فرزانه محمدی<sup>۱</sup>، مهدی خواجه<sup>۲</sup>، حسین بامری<sup>۳</sup>، جمشید ملاشاهی<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی مدیریت دولتی (توسعه منابع نیروی انسانی)، دانشگاه آزاد زابل، سیستان و بلوچستان، ایران

<sup>۲</sup> کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار، سیستان و بلوچستان، ایران

<sup>۳</sup> کارشناسی روانشناسی، دانشگاه آزاد زابل، سیستان و بلوچستان، ایران

<sup>۴</sup> کارشناسی دینی و عربی، دانشگاه آزاد زاهدان، سیستان و بلوچستان، ایران

### چکیده

در این پژوهش سعی داریم به بررسی رابطه انگیزش تحصیلی و مولفه های آن با پیشرفت تحصیلی سواد آموزان دوره انتقال شهرزابل پردازیم. از جامعه آماری معین و روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی از ۴۵ نفر از سواد آموزان دوره انتقال شهرزابل با روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چند مرحله ای گزینش نموده و مورد بررسی قرار گرفتند. فرض اصلی پژوهش بر این بود که انگیزش تحصیلی و مولفه های آن با پیشرفت تحصیلی سواد آموزان دوره انتقال شهر زابل رابطه معناداری دارد. در این پژوهش برای دریافت اطلاعات انگیزش تحصیلی و مولفه های آن پرسشنامه استاندارد انگیزش تحصیلی هارتر (۱۹۸۰، ۱۹۸۱) و معدل نمرات سواد آموزان دوره انتقال استفاده شد. نتایج حاصله رابطه انگیزش تحصیلی و مولفه های آن با پیشرفت تحصیلی سواد آموزان دوره انتقال را تایید نمود.

**واژه های کلیدی:** انگیزش تحصیلی، پیشرفت تحصیلی، سواد آموزان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

ملت ایران صاحب فرهنگ غنی و کهن است و در بسیاری از زمینه های علم وادب و فرهنگ پیشتاز سایر ملتها در اعصار مختلف بوده است. این ملت در طول تاریخ بر اثر حاکمیت طولانی سلاطین جاه طلبی که از افکار خردمندانه و ترقی خواهانه به دور بودند و نیز بر اثر سلطه ی ظالمانه استعمار گران بیگانه در قرون اخیر نتوانسته است وارث فعال و سازنده این فرهنگ اصیل باشد به همین سبب امروزه در بسیاری از زمینه های علم و دانش، از غاصبان آن عقب مانده و نیازمند ابداعات و نوآوریهای آنان است.

برای کاهش این فاصله و رفع نیازهایی لازم بود تا حرکتی در بطن جامعه ایرانی، صورت گیرد. انقلاب اسلامی ایرانی نخستین طلیعه راستین این حرکت و پیام آور رشد و ترقی بود، رشدی که به کمال نمی رسد الا به آگاهی همه ملت و آگاهی ملت نیز خود در گرو بهرمنند از سواد است. در این راستا رهبر کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی قدس سره الشریف نخستین گام را در زمینه مبارزه با بی سوادی برداشتند. ایشان در هفتم دیماه سال ۱۳۵۸ فرمان تشکیل نهضت سواد آموزی را برای ایجاد زمینه یک فرهنگ مستقل و اسلامی در کشور صادر نمودند. سپس طی این چند سال به امید ریشه کن کردن بیسوادی و جلوگیری از رشد آن، طبق برنامه ها و طرحهایی نیروها و مخارج قابل توجهی خرج شد.

در آغاز قرن بیستم اکثریت مردم جهان از آموزش و پرورش رسمی محروم بودند. سه چهارم جمعیت جهان در کشورهای زندگی می کردند که اقتصاد آنها متکی بر کشاورزی بودند و تحولات تربیتی انجام گرفته شده در قرن گذشته اثری بر روی آن نداشت نزدیک به هفتاد درصد از جمعیت بالای پانزده سال جهان و نود و پنج درصد از همین جمعیت در کشورهای توسعه نیافته، از نعمت سواد محروم و بی بهره بودند. (ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۸۲) آموزش بزرگسالان)

تحولات اقتصادی و اجتماعی، به ویژه تکنولوژی صورت گرفته در جهان گسترش آموزش و پرورش و بهرمنندی اقشار مختلف مردم از یک حد قابل قبول تربیت رسمی را به دلایل رسمی و گوناگون در میان کشورهای مختلف جهان توسعه داد به طوری که بسیاری از کشورهای صنعتی و پیشرفته جهان توانستند در مدت نسبتاً کوتاهی به توسعه آموزش ابتدایی و متعاقب آن آموزش متوسطه و فنی حرفه ای موفق شوند.

در آغاز نیمه دوم قرن بیستم (۱۹۵۰) چهل و چهار درصد کل جمعیت جهان و شصت و چهار درصد جمعیت کشورهای توسعه نیافته بی سواد بودند و بیست سال بعد (۱۹۷۰) ارقام مذکور تنها به سی و چهار درصد و پنجاه درصد کاهش یافت و این حاکی از آن است که چقدر سواد در پیشرفت یک کشور اهمیت دارد و می توان گفت که از دهه ۸۰-

۱۹۷۰ دهه ی توسعه نام گرفت. در واقع باید اینطور استنباط کرد که سواد در واقع بنیاد و ستونی است که فرهنگ دانش و تکنولوژی بر آن استوار است و توسعه و پیشرفت جامعه نیز مستلزم دانش فرهنگی پویا و دانش تکنولوژی درون زا می باشد.

لذا به دلیل این امر خصوصاً در کشور جمهوری اسلامی ایران که ما عضوی از آن هستیم به این قضیه هر چه بهتر و بهتر به آن توجه و بپردازیم .

ما می خواهیم به این مسئله بپردازیم که آموزش، تعلیم و تربیت تا چه اندازه در یک کشور از همه لحاظ اهمیت دارد خصوصاً آموزش بزرگسالان یا به قول معروف که این اسم به زبان انگلیسی به (Adult education) نام برده میشود تا چه اندازه در ایران و کشورهای دیگر به این مسئله یعنی آموزش بزرگسالان پرداخته اند .

مشکلات زیادی دست به دست هم داده اند که افراد نتوانسته اند تحصیل کنند و بی سواد باقی بمانند که از جمله می توان به وضعیت خانوادگی افراد، نبود امکانات، دوری از شهر ها، تحصیل مخصوص افراد غنی و ثروتمند و غیره را نام ببریم .

در دین اسلام اهمیت زیادی به سواد سوادآموزی شده است که قرآن پیامبر در جایی می فرماید: «اطلبوا العلم من المهد الی اللحد» ویا در جای دیگر حدیثی آمده و می فرماید: «اطلب و العلم و لو بالصین». پیامبر اکرم در باره علم و دانش می فرماید: طلب علم بر هر زن و مردی مسلمان واجب است . رهبر کبیر وفقید انقلاب اسلامی نیز اهمیت زیادی به علم و سواد داده و در جایی می فرماید: تعلیم و تعلم عبادتی است که خداوند تبارک و تعالی آن را بر ما واجب دانسته است. به فرمان رهبر انقلاب بود که در هفتم دیماه ۱۳۵۸ سازمان نهضت سواد آموزی تأسیس شد و امام در آن روز جمله مهمی فرمودند که می فرماید ایران را سراسر مدرسه می کنیم . منظور امام از این جمله این بود که افراد باز مانده از تحصیل نیز بتوانند به مدرسه بروند و کسب دانش کنند تا بیسوادی از جامعه ریشه کن شود . نتایج بررسی ها حاکی از آن است که اکثر کلاسهای نهضت سواد آموزی در روستا ها تشکیل می شوند (۶۴/۱) و اکثر این کلاسها برای سواد آموزان خواهر می باشد.

بدون شک سطح تحصیلات و تجربیات آموزشیارانی که در نهضت سواد آموزی مشغول خدمت هستند با یکدیگر متفاوت است . بررسیها نشان می دهند که عامل تجربه از سطح تحصیلات موثر تر است افت سواد آموزانی که آموزشیاران آنان در سایر مراکز سابقه تدریس ندارند به ۶۰٪ می رسد که این خود گویای اهمیت تجربه تدریس است.

مسئولان آموزش نهضت سواد آموزی باید هر چه بیشتر برای غنی کردن دوره های آموزشی اقدام کنند با طولانی تر کردن دوره های آموزشی و بالا بردن سطح علمی و عملی کلاسهای کارآموزی توان، تجربه و آگاهی آموزشیاران را افزایش داد.

از نظر برخی از متخصصان راهنمایان تعلیماتی در پیشرفت تحصیلی سواد آموزان نقش بسزایی ایفا می کنند. منطقی است که حضور آنان در سیستم فعالیت های نهضت سواد آموزی مورد بررسی قرار گیرد.

اکثر کارشناسان و متخصصان آموزش و پرورش و نهضت سواد آموزی معتقدند که برای آموزش بهتر و کارایی تر از وسایل کمک آموزشی (نمایش فیلم چه با محتوای صرفاً آموزشی و چه تبلیغاتی در جهت آموزشی) استفاده کنند و این وسایل یادگیری را برای فرد سهل و آسان می کند. نتایج نشان می دهد که انگیزه سواد آموزان برای حضور در کلاسها بیشتر کسب آگاهی و افزایش معلومات عمومی است. عقیده سواد آموز در مورد مناسب بودن زمان یادگیری در موفقیت تحصیلی آنان مناسب است، یعنی هر چه سواد آموزان زمان یادگیری را مناسب تر بدانند میزان موفقیت تحصیلی آنان بیشتر خواهد بود. (بررسی سواد آموزان \_ مدیریت برنامه ریزی و آمار نهضت سواد آموزی ۱۳۶۹).

### انگیزش تحصیلی

**تعریف مفهومی:** انگیزش به نیروی ایجاد کننده، نگهدارنده و هدایت کننده رفتار گفته می شود و انگیزش تحصیلی به انگیزشی اطلاق می شود که تلاش دانش آموز در عملکرد تحصیلی را افزایش می دهد (دسی و ریان، ۱۹۸۵).

**تعریف عملیاتی:** در این پژوهش مقصود از انگیزش تحصیلی نمره ای است که دانش آموزان از پاسخگویی به پرسشنامه استاندارد انگیزش تحصیلی هارتر که شامل ۳۳ گویه می باشد، بدست می آورند.

### انگیزش تحصیلی

بارها دانش آموختگانی را دیده ایم که از لحاظ توانایی و استعداد یادگیری بسیار شبیه به هم هستند، اما در پیشرفت تحصیلی تفاوت های زیادی با یکدیگر دارند. این تفاوت ها نه تنها در یادگیری درس های آموزشگاهی بلکه در سایر فعالیت های غیر تحصیلی نیز به چشم می خورد. این جنبه از رفتار آدمی به حوزه انگیزش مربوط می شود (سیف، ۱۳۸۷).

کریمی (۱۳۸۷) بیان می دارد، یک کلاس ایده ال کلاسی است که در آن دانش آموزان به درس توجه کامل دارند، سوالات زیادی می پرسند، در بحث های کلاسی شرکت دارند، تکالیف تعیین شده را با دقت و به موقع انجام می دهند و معلم را وادار می کنند که به خاطر پاسخگویی به پرسش آنها به منابع اضافی مراجعه کند و اطلاعات خود را افزایش دهد. چنین کلاسی را کلاس دارای انگیزه می خوانند. در واقع انگیزش موتور محرک تلاش و فعالیت برای یادگیری است. دانش آموز بی

انگیزه نه تنها رغبتی به درس خواندن و یادگیری نشان نمی دهد، بلکه با بی تفاوتی و بی توجهی خود چه بسا برای کار کردن دیگران در کلاس نیز مزاحمت ایجاد کند (کریمی، ۱۳۸۷).

شناسایی مفهوم انگیزش و آگاهی از انگیزه های مختلف و تاثیر آنها بر فرایند یادگیری دانش آموزان به معلم کمک می کند تا در طرح و اجرای برنامه های آموزشی خود روش های بهتری را به کار ببندند. (سیف، ۱۳۸۷).

اگر چه اطلاعات ما درباره انگیزش اصولاً توصیفی است ولی از روی کارکردها و رفتارهای بعد از یادگیری پی به انگیزش افراد می بریم. انگیزش مبحثی بسیار وسیع است که در حوزه های علایق، کنجکاوی، سلیق، نیازها و حتی حیطة عاطفی را دربر می گیرد. گرچه عامل وراثت و محیط با هوش و غنی سازی محیط آموزشی و بهبود روش های تدریس تا اندازه زیادی در بهبود وضع آموزشی تاثیر دارند، ولی قلب آموزش انگیزش است (ابراهیمی قوام و خاقانی زاده، ۱۳۸۷).

انگیزش عامل کلی مولد رفتار به حساب می آید در حالی که، انگیزه را علت اختصاصی یک رفتار مشخص می دانند مثلاً وقتی می پرسیم که چرا فلان شخص رفتار خاصی را انجام می دهد، به دنبال انگیزه او هستیم. در واقع انگیزش حالت کلی تمایل به پیشرفت تحصیلی است و انگیزه حالت اختصاصی نسبت به درس خاص می باشد. انگیزش هم هدف است و هم وسیله. بعنوان هدف ما از دانش آموزان می خواهیم نسبت به موضوع های مختلف علمی و اجتماعی علاقه کسب کنند. از این رو تمام برنامه های درسی که در آن ها فعالیت های حیطة عاطفی ملحوظ شده است دارای هدف انگیزشی هستند، بعنوان وسیله انگیزش مانند آمادگی ذهنی یا رفتارهای ورودی، یک پیش نیاز یادگیری به حساب می آید و تاثیر آن بر یادگیری یکی از امور بدیهی است. اگر دانش آموزان نسبت به درس علاقه داشته باشند (دارای انگیزش سطح بالایی باشند) هم به توضیحات معلم با دقت گوش خواهند داد، هم تکالیف درسی خود را با جدیت انجام خواهند داد و هم به دنبال کسب اطلاعات بیشتری در زمینه مطالب درسی خواهند بود (همان منبع).

### تعریف انگیزش و انگیزه

از اصطلاح انگیزش تعریف های مختلفی به عمل آمده است. یکی از جامع ترین آنها تعریف زیر است: انگیزش به نیروی ایجاد کننده، نگهدارنده و هدایت کننده رفتار گفته می شود. انگیزه به صورت خواست یا نیاز ویژه ای که انگیزش را موجب می شود، تعریف شده است. انگیزه و انگیزش غالباً به صورت مترادف به کار برده می شوند. با این حال می توان انگیزه را دقیق تر از انگیزش دانست. به این صورت که انگیزش را عامل کلی مولد رفتار اما انگیزه را علت اختصاصی یک رفتار خاص به حساب آورد. مثلاً وقتی که می پرسیم چرا فلان شخص رفتار خاصی را انجام می دهد، به دنبال انگیزه او هستیم. اصطلاح

انگیزه بیشتر در اشاره به رفتار انسان به کار می رود. روسل (۱۹۷۱) در این باره می گوید: انگیزه برای مشخص کردن قصد یا بازده دلخواه یک رفتار به کار می رود. پس کاربرد اصطلاح انگیزه برای حیوانات جایز نمی باشد (کدیور، ۱۳۸۶).

انگیزش در علوم تربیتی مفهومی ریشه ای دارد. هنگامی که در نظام تربیتی شکستی رخ می دهد غالباً انگیزش نکوهیده می شود. چنانچه کودکان بومی استرالیای مرکزی و یا کودکان سیاه پوست محروم آمریکایی نتوانند در مدرسه، به خوبی از عهده آن برآیند، بسیاری از معلمانشان انگشت روی انگیزه ضعیف آنان می گذارند و زمینه خانوادگی آنان را مسئول آموزش آن می دانند. والدین این قصور را بر گردن نمی گیرند و می گویند که شکست برآیند تدریس بد است. بدان معنا که هیچ قصوری در زمینه خانوادگی وجود ندارد و معلم خوب باید بتواند دانش آموزان را برانگیزد (بال، ترجمه مسد، ۱۳۷۳).

از لحاظ پرورشی، انگیزش هم هدف است و هم وسیله. به عنوان هدف، ما از دانش آموزان می خواهیم نسبت به موضوع های علمی و اجتماعی علاقه کسب کنند، از این رو تمام برنامه های درسی که برای آنها فعالیت های مربوط به جنبه های عاطفی در نظر گرفته شده است دارای هدف های انگیزشی هستند. به عنوان وسیله، انگیزش به صورت آمادگی روانی یک پیش نیاز یادگیری به حساب می آید و تاثیر آن بر یادگیری کاملاً آشکار است. اگر دانش آموزان نسبت به درس بی علاقه باشند به توضیحات معلم توجه نخواهند کرد، تکالیف خود را با جدیت انجام نخواهند داد و بالاخره پیشرفت چندانی نصیب آنها نخواهد شد. اما اگر نسبت به درس علاقمند باشند، هم به توضیحات معلم با دقت گوش خواهند داد، هم تکالیف درسی خود را با جدیت انجام خواهند داد، هم به دنبال کسب اطلاعات بیشتری در زمینه مطالب درسی خواهند رفت، و هم پیشرفت زیادی نصیب آنها خواهد شد (سیف، ۱۳۸۷).

شعاری نژاد (۱۳۸۱)، عنوان می کند، بدون انگیزش، یادگیری ممکن نیست و جایی که یادگیری نباشد تدریسی وجود ندارد. حال باید دید انگیزه و انگیزش در روان شناسی یادگیری چه معنا و مفهومی دارند.

اصطلاح انگیزه در زندگی روزانه به معانی وسیع تر از معنای روان شناسی به کار می رود زیرا تمام عادت ها، محرک های خارجی، هیجان ها و هدف ها را شامل می شود (دیبوراجی، ۱۳۸۵).

کلمه ی انگیزش نیز در فرهنگ روان شناسی، اصطلاحی است که تنها بر باعث ها و انگیزه های ذاتی یا درونی اطلاق می شود. گروه دیگری از روان شناسان معتقدند که: انگیزه، هر حالتی در فرد است که او را به انجام دادن فعالیت معینی تحریک و متوجه می نماید و میزان فعالیت او را معین و محدود می کند. بعضی ها نیز می گویند: انگیزه، آن نیروهای کشاننده هستند که فرد را به انتخاب، انجام دادن یک عمل، یا ترجیح یک فعالیت بر فعالیت دیگر وادار می کنند (دیبوراجی، ۱۳۸۵).

به طور کلی می توان گفت: انگیزه عبارت از حالات و شرایط درونی فیزیولوژیک و پسیکولوژیک و (روان شناختی) فرد است که او را به فعالیت در جهت معین یا برای رسیدن به هدف های خاص وادار می کنند که ممکن است شکل های گوناگونی پیدا کرده نام های مختلفی بر آنها اطلاق شود از قبیل: احتیاجات رغبت ها، محرک ها، امیال، گرایش ها، توجه، فشار و به هم خوردگی تعادل رفتار و در نتیجه یادگیری تنها هنگامی رخ می دهد که دانش آموز نوعی عدم تعادل یا تنش دارد و معلم برانگیختگی او را از همین حالاتش در می یابد. رسیدن به هدف (پاداش گرفتن)، این برانگیختگی را ارضا می کند و در نتیجه حالت تعادل در رفتار دانش آموز پیدا می شود و او آرامش خاطر احساس می کند (سیف، ۱۳۸۹).

### اهمیت و معنای انگیزش

انگیزش مهمترین شرط یادگیری است. علاقه به یادگیری محصول عواملی است که به شخصیت و توانایی فرد، ویژگی های تکالیف، مشوق ها و سایر عوامل محیطی مربوط می شود. چه عواملی باعث می شود که برانگیختگی افراد (به دلیل آثار بلند مدت آن در یادگیری و خود باروری در دانش آموزان) برای والدین و معلمان با ارزش باشد. افراد با انگیزه به راحتی شناخته می شوند. آن ها به یادگیری اشتیاق داشته، علاقمند، کنجکاو، سختکوش و جدی هستند. این افراد به راحتی موانع و مشکلات را از پیش پای خود بر می دارند، زمان بیشتری برای مطالعه و انجام تکالیف مدرسه صرف می کنند، مطالب بیشتری می آموزند و پس از پایان دوره دبیرستان به تحصیلات ادامه می دهند (اسکینر و بلمونت، ۱۹۹۳؛ نقل از همان منبع).

انگیزش را می توان به عنوان یک فرایند مداخله کننده با یک حالت درونی جاندار دانست که او را وادار یا ترغیب به عمل می کند به عبارتی دیگر می توان گفت انگیزش نیرویی است که به رفتار نیرو می دهد و آن را هدایت می کند. همان گونه که یک نیرو اشیاء را به حرکت در می آورد، انگیزش نیز شخص را به حرکت در می آورد (بال، ترجمه مسدد، ۱۳۷۳).

### انگیزش عمومی و انگیزش اختصاصی برای یادگیری

انگیزش در دو سطح قابل بررسی است:

۱. انگیزش عمومی برای یادگیری: گرایشی بادوام و گسترده برای تلاش در جهت کسب دانش و تسلط بر مهارت های مربوط به یادگیری است (بروفی، ۱۹۸۷). جنبه با دوام بودن بسیار مهم است زیرا انگیزش عمومی وقتی ایجاد شد، در تمام دوره مدرسه، دانشگاه، محیط کار و موقعیت های زندگی واقعی ادامه خواهد یافت. ویژگی گسترده نیز حایز اهمیت است زیرا انگیزش عمومی نقش میانبر زدن را در برنامه درسی دارد. و هر چند ممکن است از یک کلاس تا کلاس دیگر متفاوت باشد، انگیزش مثبتدر نوع خود فراتر از یک موضوع کلاسی خاص است.

۲. انگیزش اختصاصی برای یادگیری: به یادگیری یک درس خاص از سوی دانش آموز نیرو می دهد و معمولا وابسته به عوامل بیرونی است. تفاوت این دو نوع انگیزش در این است که انگیزش عمومی در درون دانش آموز است و حاصل تاریخچه درازی از تجربیات او با درس و کلاس است، اما انگیزش اختصاصی بیشتر بستگی به معلم و محتوای درس دارد. این انگیزش بیشتر در کنترل معلم است، و می تواند آن را با به کار بردن راهبردهای خاصی تغییر دهد. انگیزش عمومی، اگر چه غیر قابل تغییر نیست، وقت و تلاش بیشتری می طلبد تا تغییر کند (کریمی، ۱۳۸۷).

جدول ۱-۲: انگیزش عمومی و اختصاصی برای یادگیری

نوع انگیزش	منبع	میزان ثبات
انگیزش عمومی	خود یادگیرنده	ثابت در طول زمان
انگیزش اختصاصی	معلم و موضوع درس	ناپایدار - بسته به معلم و موضوع درس

### نقش انگیزش در پیشرفت تحصیلی و یادگیری افراد

انگیزش مهمترین عامل رفتارهای گوناگون و درحقیقت نیروی محرک فعالیت های انسان و عامل جهت دهنده ی آنهاست. می توان اهمیت انگیزش را در یادگیری این گونه بیان داشت که اگر دانش آموز نسبت به دروس بی علاقه باشند و یا از سطح پایین انگیزش برخوردار باشند به توضیحات و درس معلم توجه نمی کنند، تکالیف خود را با جدیت انجام نمی دهند و در دروس خود پیشرفت چندانی بدست نمی آورند. بالعکس اگر دانش آموزان به مطالب درسی علاقه مند باشند یا دارای سطح بالایی از انگیزش باشند، هم به توضیحات معلم با دقت گوش داده و تکالیف درسی خود را با جدیت انجام خواهند داد و هم به دنبال کسب و جمع آوری اطلاعات بیشتر در زمینه مطالب درسی خواهند رفت و متعاقب آن پیشرفت خواهند کرد. معلم با استفاده از تدابیر آموزشی می تواند بعد از ایجاد توجه و دقت در دانش آموزان آن را در سطح مطلوب حفظ نماید. اگر دانش آموز معتقد باشد که در گذشته، در یادگیری مطالب مشابه با مطالب جدید موفق بوده است با علاقمندی و دقت به مطالب



جدید گوش فراداده و آنها را می آموزد، اما اگر به این اعتقاد رسیده باشد که یادگیری مطالب جدید نیز مانند یادگیری مطالب مشابه در گذشته منجر به شکست خواهد شد، نسبت به یادگیری آن مطلب از خود علاقه نشان نخواهد داد (سیف، ۱۳۸۹).

در همین زمینه، اگر تجارب دانش آموز از محیط مدرسه خصوصا در سال های نخست تحصیلی حاکی از وجود شایستگی و لیاقت در مدرسه باشد، تجارب احساس موفقیت و افزایش اعتماد به نفس در سال های آتی نیز تکرار خواهد شد. چنین فردی قادر خواهد بود با تکیه بر این تجارب موفقیت آمیز در حین تحصیل آن را به زندگی واقعی خود تعمیم دهد و بدون تحمل سختی بر بحران ها، فشارها و استرس های شدید در زندگی غلبه کند (سیف، ۱۳۸۹).

بسیاری از معلمان در تلاش برای برانگیختن حس سخت کوششی دانش آموزان، ناکامی هایی را تجربه می کنند که ناشی از واقعیت هایی چون کمبود وقت، زیادی تعدادی دانش آموزان دارای نیازهای هیجانی و یادگیری، احساس مسئولیت در قبال خواسته های مسئولان مدرسه و والدین و سایر موقعیت های ایجاد کننده فشار روانی است که در اکثر مدارس وجود دارد. کوشش های متکی بر شهود و آموزش منسوخ، اغلب در رویارویی با موقعیت های دشوار یک دانش آموز، همانند موقعیت هایی که والدین در بزرگ کردن بچه با آن رو به رو هستند، به سرعت شکست می خورد. تلاش اغلب معلمان، به جای افزایش انگیزه یادگیری در دانش آموزان، اغلب صرف آرام ساختن و منضبط نگه داشتن کلاس می شود. هر کاری که تقریبا معلمان در کلاس انجام می دهند، از جمله نحوه ارائه اطلاعات، نوع تمرین های مورد استفاده، شیوه تعامل با دانش آموزان و فرصت هایی که به دانش آموزان برای تمرین انفرادی یا گروهی، اثر انگیزشی بر روی دانش آموزان دارد. دانش آموزان بر اساس اینکه شما (چه کسی) هستید، (چه کاری) انجام می دهید و با توجه به میزان آرامشی که در کلاس شما احساس می کنند، به شما واکنش نشان می دهند. با وجود این اثرات انگیزشی متعدد، معلمان ابزار کمی برای درک انگیزش و نحوه افزایش آن در دانش آموزان خود دارند (مک کومبز و پاپ، ترجمه ابراهیمی قوام، ۱۳۸۲).

### انگیزش تحصیلی

از آن جایی که هدف از مطالعه متغیرهای مرتبط با یادگیری در دانش آموزان، بالا بردن سطح موفقیت تحصیلی آنان می باشد؛ و موفقیت تحصیلی نیز تحت تاثیر متغیرهایی از جمله انگیزش تحصیلی است لذا مطالعه هر یک از این متغیرها از اهمیت خاصی برخوردار است.

انگیزه یکی از عوامل مهم در یادگیری به شمار می آید، که باعث می شود یادگیرنده بر اساس نیاز و علاقه فردی خود به سمت یادگیری گرایش پیدا کند. دانش آموزان در درس هایی موفقیت بیشتری کسب می کنند که نسبت به آن موضوعات

علاقه و انگیزه بیشتری دارند. انگیزه موفقیت در کارها و تحصیل را به وجود می آورد و به همین تناسب، موفقیت بیشتر باعث انگیزه بیشتر برای ادامه کارها و تحصیلات را فراهم می آورد. یافته های تحقیقاتی متعدد نشان داده اند که موفقیت تحصیلی هم از ساختارهای دانش و هم از عوامل محیطی و موقعیتی مثل انگیزش تحصیلی متأثر است (برنشتاین و میر، ۲۰۰۵).

در نظریه های آموزشی، انگیزه، یک مفهوم اساسی به شمار می رود که به تعبیرهای مختلفی از جمله، انگیزش دانش آموز، انگیزش یادگیری، انگیزش تحصیلی به کار رفته است. هر چند متخصصان همواره در متمایز نمودن این اصطلاحات فعالیت هایی انجام داده اند (صمدی، ۱۳۹۰).

برخی انگیزش تحصیلی را بر مبنای نظریه خود تعیینی تعریف کرده اند (دسی و همکاران، ۲۰۰۰). در نظام طبقه بندی دسی و همکاران (۱۹۸۵) یادگیرندگان به لحاظ جهت گیری های انگیزشی در سه طبقه قرار می گیرند:



✓ جهت گیری انگیزشی بیرونی

✓ جهت گیری انگیزشی درونی

✓ افراد بدون انگیزه.

بر اساس نظریه دسی و ریان (۲۰۰۰)، انگیزش از نیازهای ارگانیزمی و ارضای خود انگیخته که فعالیت را فراهم می آورد سرچشمه می گیرد. انگیزش درونی کیفیت عملکرد را ارتقاء می دهد. انگیزه درونی در پی ارضای نیازهای خودتنظیم گری برانگیخته و در پی تهدید به تنبیه شدن، ارزشیابی، فشار و امر و نهی تضعیف می شود. حتی دادن پاداش در برابر انجام تکالیف جالب توجه، به ویژه اگر این گونه پاداش ها به عنوان عامل کنترل تلقی شوند، انگیزه درونی را کاهش می دهد. یادگیرندگان زمانی دارای انگیزش درونی هستند که در خود ادراک شایستگی (خود تعیین کنندگی) کنند و خود، تعیین کننده اهداف خود و تنظیم کننده ی رفتار خود باشند. تحقیقات نشان داده است که بین انگیزه درونی، پیشرفت تحصیلی و لذت بردن از فعالیت های یادگیری همبستگی قوی وجود دارد (ریان و دسی، ۲۰۰۰، قاسمی پیر بلوطی، ۱۳۷۴).

مطالعات انجام شده در زمینه ویژگی های افراد پیشرفت گرا به ویژه افرادی که از جهت گیری درونی انگیزش برخوردارند حاکی از این است که این افراد در زمینه یادگیری خود انگیخته اند، اهداف تحصیلی واقع گرایانه ای برای خویش وضع می کنند، راهبردهای کارآمد به منظور دست یابی به اهداف خود استفاده می کنند و در صورت لزوم راهبردهای مورد

استفاده را اصلاح و یا تغییر می دهند و سعی در استفاده بهینه از منابع در دسترس مانند زمان، مکان، همسالان، والدین، معلمان و منابع کمکی از قبیل فیلم، ویدئو و کامپیوتر دارند و همواره سعی در ساخت و خلق و انتخاب محیط هایی را دارند که یادگیری را افزایش دهد (پینتریچ، ۲۰۰۲).

از طرفی، در مقابل جهت گیری درونی انگیزش، جهت گیری بیرونی انگیزشی قرار دارد. در جهت گیری بیرونی، پیامدهای محیطی و افراد دیگر نقش تعیین کننده ای در ایجاد رفتار و تصمیم گیری های آنان ایفا می کنند. انگیزش از مشوق ها و پیامدهایی سرچشمه می گیرد که به رفتار مشاهده شده وابسته است. افراد بیرونی بیشتر به وقایع خارجی و منابع بیرونی مثل پاداش یا تنبیه اجتماعی و ... توجه دارند تا به احساس رضایت و لذت شخصی. انگیزش بیرونی نوعی دلیل محیطی برای شروع یا ادامه فعالیت و همینطور وسیله ای برای هدف، وسیله و رفتار است. پژوهش های انجام شده در این زمینه حاکی از این است پاداش های بیرونی به نوعی کنترل فرد از ادراک خود تعیینی را کاهش می دهند (وایتهد، ۲۰۰۳، وانگ و گاتری، ۲۰۰۴).

نهایتا در "بی انگیزگی" همانند جهت گیری بیرونی انگیزش، افراد خود را شایسته و تعیین کننده نمی دانند. این افراد از پایداری در انجام تکلیف برخوردار نیستند. ادراک شایستگی و کنترل در آنان چنان پایین است که در موقعیت ها احساس درماندگی می کنند. کوشش برای این افراد یک عمل بی فایده است. آنان موفقیت ها و شکست های خود را نتیجه عوامل بیرونی و کنترل ناپذیر می دانند (دسی و ریان، ۲۰۰۰). پژوهش های انجام شده در این زمینه رابطه منفی بین بی انگیزگی و موفقیت تحصیلی را گزارش نموده اند (کوینگتون و مولر، ۲۰۰۱).

## رویکرد های مختلف انگیزشی

برای انگیزش نظریه ها و رویکردهای مختلفی ارائه شده است که معروفترین آنها را به اختصار توضیح می دهیم:

### رویکرد رفتاری

پیروان رویکرد رفتار گرایی انگیزش را وابسته به کسب تقویت و اجتناب از تنبیه می دانند. این برداشت از انگیزش بر اندیشه ی اصلی رفتار گرایانی استوار است که می گویند پیامدهای اعمال و رفتارها هدایت کننده و کنترل کننده آنها هستند. بنا به گفته ی لفرانسوا (۱۹۹۷)، لذت جویی روانشناختی-اصل لذت/درد-خلاصه آسانی از اساسی ترین اصل انگیزشی رفتار گرایان است. طبق اصل لذت درد ما می کوشیم تا لذت کسب کنیم و از درد بگریزیم (دیبوراجی، ۱۳۸۵).

## رویکرد شناختی

در رویکرد شناختی انگیزش، باور بر این است که اندیشه های فرد سرچشمه انگیزش او هستند. همچنین شناخت گرایان معتقدند که رفتارها توسط هدف ها، نقشه ها انتظارات و نسبت دادن های فرد ایجاد و هدایت می شوند و لذا انگیزه درونی بیشتر از انگیزه بیرونی مورد تاکید آنان است. یکی از انگیزش های اصلی وابسته به تحصیل و یادگیری، بر شکل گیری هدف ها و کوشش برای تحقق بخشیدن آنها تاکید می کند. یکی از مفاهیم نزدیک به مفهوم انگیزش در رویکرد شناختی، انگیزش شایستگی است. سانتروک (۲۰۰۳) از قول وایت (۱۹۵۹) که این مفهوم را مطرح ساخته می گوید: منظور از انگیزش شایستگی آن است که افراد بر انگیزته می شوند تا با محیط خود به طور موثر برخورد کنند، بر دنیای خود مسلط شوند و اطلاعات به طور موثر پردازش نمایند. مردم این کارها را از آن جهت انجام نمی دهند که نیازهای زیستی شان را ارضاء کنند، بلکه به این سبب به این کارها دست می زنند که برای تعامل موثر با محیط دارای انگیزش درونی هستند. برای شناخت گرایان انگیزش درونی مهم تر از انگیزش بیرونی است. انگیزش بیرونی از پاداش بیرونی سرچشمه می گیرد، در حالی که منشا پاداش در انگیزش درونی در کاری که انجام می گیرد نهفته است. به سخن دیگر انگیزش بیرونی انگیزشی است که به وسیله عوامل خارج از فرد و خارج از کاری که انجام می گیرد بر انگیزته می شود، مانند پاداش و تنبیه، در حالی که انگیزش درونی به کاری که انجام می گیرد وابسته است، مانند اشتیاق فرد برای انجام آن کار (دیبوراجی، ۱۳۸۵).

یکی از دیدگاه هایی که به انگیزش درونی تاکید دارد، دیدگاه خود مختاری است. افراد به طور طبیعی به خود مختاری نیاز دارند آنها می خواهند بر این باور باشند که با اراده خودشان درگیر فعالیت ها می شوند، یعنی، خودشان می خواهند، نه برای دریافت پاداش بیرونی یا اجتناب از تنبیه (دیچارمز، ۱۹۸۴؛ ۱۹۷۶؛ دیسی، ۱۹۷۵؛ به نقل از دیبوراجی، ۱۳۸۵).

این نظریه پردازان عقیده دارند که وقتی افراد خودشان را به عنوان علت رفتارشان درک می کنند، به طور درونی برانگیخته می شوند. وقتی افراد بر این عقیده اند که به خاطر پاداش، اجبارها یا خشنود کردن شخص دیگر درگیر رفتار می شوند یعنی آنها به طور بیرونی برانگیخته می شوند. بیشتر نظریه پردازان تاکید دارند که ادراک شخص از علیت مهم است، نه هر شاخص عینی از علیت. دو فرد در یک موقعیت یکسان برای درگیر شدن در یک رفتار خاص ممکن است عقاید متفاوتی داشته باشند. با وجود این، نظریه پردازان ادعا می کنند که عوامل محیطی مانند سطوح انتخاب، دسترس پذیری به پاداش ها بر ادراکات مربوط به منبع علیت اثر می گذارد (دیبوراجی، ترجمه رمضان زاده و عمویی، ۱۳۸۵).

## رویکرد انسان گرایی

در رویکرد انسان گرایی به جای تاکید بر تقویت و تنبیه به عنوان منبع اصلی انگیزش، به توانایی دانش آموزان برای رشد شخصیت، آزادی انتخاب هدف های زندگی و ویژگی های مثبت مانند حساس بودن نسبت به دیگران تاکید می شود. بنابراین از دیدگاه روانشناسان انسان گرا، برای ایجاد انگیزش باید احساس شایستگی، خود مختاری و عزت نفس را در افراد پرورش داد. زمانی آرتور کومبز (۱۹۶۲) که خود یکی از پیشگامان نهضت انسان گرایی است درباره انگیزش بیان کرد: مردم همیشه برانگیخته هستند، در واقع آنها هیچ گاه نا برانگیخته نیستند. آنها ممکن است برای انجام کاری که ما ترجیح می دهیم انجام دهند، برانگیخته نباشند، اما هرگز نمی توان گفت که آنها نا برانگیخته اند. همه دانش آموزان برای تحصیل انگیزه دارند و این یک اصل اساسی روانشناسی انسان گراست، نهضتی که در اوایل دهه های ۱۹۵۰ شروع شده است (دیبوراجی، ۱۳۸۵).

انگیزش، از دیدگاه انسان گرایی به عنوان نیرویی فعال تلقی می شود، همه انسان ها رشد می کنند و تحول می یابند. انگیزش پرورش یک تمایل مثبت از پیش موجود و فراهم کردن امکان رشد، توسعه، و یکپارچه کردن تجربه های تازه است. هر فردی دارای یک اصل نمو درونی است که همه رفتارهای انسان را هدایت می کند و به آنها نیرو می دهد. از نظر یک انسان گرا چیزی به عنوان یک یادگیرنده ی بدون انگیزش وجود ندارد. تاکید انسان بر خود یا کل انسان از نظر انگیزش است. این که عملکرد دانش آموزان در کلاس چگونه است، بستگی به این دارد که آنها خود را به عنوان انسان چگونه می بینند و از دیدگاه آنها مدرسه چگونه به رشد و نمو آنها به عنوان یک فرد کمک می کند. اگر کلاس حالت شخصی و معناداری داشته باشد، آنها انگیزه می شوند تا یاد بگیرند؛ اگر در غیر این صورت باشد، آنان انگیزه ای برای یادگیری نخواهند داشت (کریمی، ۱۳۸۷).

یکی از مهمترین نظریه پردازان انسان گرایی، آبراهام مازلو (۱۹۷۰)، انگیزش را با توجه به نیازها توضیح داده است. نیاز به یک حالت ناشی از کمبود یا محرومیت در موجود زنده گفته می شود. اصطلاح وابسته به نیاز سائق است. سائق انرژی یا میل حاصل از نیاز است. مازلو (۱۹۷۰) نیازهای انسان را به صورت سلسله مراتبی طبقه بندی کرده است. نیازها ابتدا به دو دسته کلی تقسیم بندی شده اند: نیازهای کمبود یا کاستی و نیازهای رشد یا بالندگی. مازلو نیازهای دسته اول را نیازهای اساسی و نیازهای دسته دوم را فرا نیازها نیز نام گذاری کرده است. هر یک از این دو دسته نیاز شامل تعدادی طبقه به شرح زیر است:

✓ **نیازهای اساسی:** نام دیگری که مازلو برای نیازهای اساسی مورد استفاده قرار داده نیازهای کمبود یا کاستی است علت این نام گذاری آن است که نیازهای کاستی زمانی که ارگانسیم در رابطه با یک نیاز کمبودی دارد (مثلا غذا یا آب) برانگیخته می شوند. از آنجا که مهمترین و آشکار ترین نیازهای انسان نیازهای فیزیولوژیکی و جسمی هستند

توجه به این دسته از نیازهای کودکان نخستین وظیفه معلمان و والدین است. دانش آموز گرسنه را با هیچ تدبیری نمی توان وادار کرد تا به درس و بحث معلم گوش فرا دهد. به همین قیاس از معلم گرسنه نیز نمی توان انتظار داشت که وظیفه آموزشی خود را به درستی انجام دهد. پس از ارضای نیازهای جسمانی، نیازهای مربوط به احساس امنیت، عدم نگرانی خاطر و محیطی امن و به دور از تهدید و خطر جای نیازهای قبلی را می گیرد. کودکان باید در محیط آموزشگاه احساس آرامش کنند و از عوامل تهدید آمیز به دور باشند تا بتوانند به یادگیری بپردازند. معلمان هم نیاز به امنیت شغلی، رفاه نسبی و بیمه های اجتماعی دارند تا بتوانند بدون دغدغه خاطر به پرورش کودکان و نوجوانان اقدام نمایند. وقتی که دانش آموز و آموزگار از نگرانی مسائل فوق فارغ شدند، آنگاه به محبت و دوستی و تعلق خاطر نیاز خواهند داشت. مردم به محبت کردن و مورد محبت قرار گرفتن نیازمندند. به اعتقاد مازلو (۱۹۷۰)، زندگی جدید در شهرهای بزرگ انسان را از ارضای این دسته از نیازها محروم ساخته است. قطع رشته های خانوادگی در شهرهای بزرگ، نبودن تماس رو در رو و روابط متقابل میان افراد که در جوامع روستایی امری متداول است و همچنین وجود عوامل شخصیت زدایی جوامع صنعتی مانع از برآوردن نیازهای دسته اخیر می شوند. پس از آنکه نیازهای سطح سوم ارضاء شدند نوبت به نیازهای مربوط به عزت نفس، یعنی نیاز به قدر شناسی خود و مورد قدر شناسی از طرف دیگران قرار گرفتن، می رسد. منظور از این نیازها آن است که فرد احتیاج دارد تا در خانه، اجتماع و محل کار مورد احترام و قدردانی دیگران واقع شود و خود نیز تصور مثبتی از خویشتن داشته باشد (دیوراچی، ۱۳۸۵).

✓ **فرا نیازها یا نیازهای مربوط به خود شکوفایی:** بر خلاف نیازهای کاستی که از محرومیت انسان سر چشمه می گیرند، فرا نیازها نیرویشان را از میل آدمی به رشد و شکوفایی و بالندگی کسب می کنند. فرا نیازها به نیازهای مربوط به خود شکوفایی یا تحقق خویشتن نیز معروفند. اینها عبارتند از نیازهای فرد برای رسیدن به آنچه که در حداکثر توان و استعداد دارد. نیازهای خود شکوفایی مواردی چون کنجکاوی، اشتیاق برای شناخت، یادگیری، کسب حقیقت، دانش اندوزی، تجربه کردن، درک زیبایی، نظم و هماهنگی را شامل می شوند. لفرانسوا (۱۹۹۷) در توصیف خود شکوفایی گفته است: خود شکوفایی یک فرایند است نه یک حالت، فرایند رشد، یعنی شدن، بالیدن. وقتی که همه نیازهای اساسی بر آورده شدند، انسان به فکر خود شکوفایی می افتد. یعنی می کوشد تا توانایی ها و استعدادهای خود را کشف کند و آرمان هایش را تحقق بخشد. مازلو معتقد است که این دسته از نیازها تنها در انسان هایی که دارای شخصیت های سالمی هستند یافت می شود و تنها یک درصد مردم به آن دست می یابند. و علت آن را اینگونه توضیح می دهد که اکثر مردم قدرت شناسایی توانایی های بالقوه خود را ندارند، زیرا بیش از حد مطیع الگوهای قالبی فرهنگ خود هستند و لذا نیازهای فردی خویش را نادیده می گیرند و همچنین او متذکر می شود که نیازهای مربوط به امنیت مردم را از خطر کردن بر حذر می دارند و راه های درگیر شدن با تجربه های تازه را بر آنها می بندند. مازلو می گوید انسان کامل کسی است که به بالاترین سطح نیازها دست بیابد، یعنی اگر فرد

نیازهای چهارگانه پیش از نیاز به خود شکوفایی را بر آورده سازد اما به مرحله خود شکوفایی نرسیده باشد، انسان کاملی نیست. نیاز به خود شکوفایی در افراد مختلف متفاوت است. در یک شخص ممکن است به صورت نیاز به رویاندن گیاه جلوه کند، در دیگری به صورت مادر خوبی شدن، و در شخص دیگری به صورت شاعر یا نویسنده شدن. در ارتباط با نیازها و انگیزش مازلو (۱۹۷۰) می گوید: انگیزش از اشتیاق فرد برای ارضای نیازهای سلسله مراتب مورد نظر او سر چشمه می گیرد. هدف هایی که آگاهانه از سوی افراد برگزیده می شوند وسایلی هستند برای ارضای نیازهای اساسی آنان (دیوراچی، ۱۳۸۵).

### رویکرد اجتماعی-فرهنگی

یکی دیگر از رویکردهای انگیزشی رویکرد اجتماعی-فرهنگی است. بنا به این رویکرد منبع انگیزشی مهم برای بعضی از افراد بودن با دیگران و داشتن رابطه ای دوستانه ی متقابل با آنان است. بنا به گفته وولفلک (۲۰۰۴)، مردم در فعالیت ها شرکت می کنند تا هویت خود و روابط متقابل با دیگران را حفظ نمایند. بنابراین اگر دانش آموزان عضو یک کلاس درس یا آموزشگاهی باشند که برای یادگیری ارزش قائل می شود انگیزش آنان برای یادگیری بالا خواهد بود. مفهوم نزدیک به رویکرد انگیزشی اجتماعی-فرهنگی نیاز پیوندجویی یا نیاز پیوستگی است. سانتروک (۲۰۰۴)، گفته است این نیاز معرف انگیزه افراد در ایجاد روابط با دیگران است. نیاز پیوند جویی یا پیوستگی در دانش آموزان در انگیزش آنان به صرف وقت با همسالان، ایجاد دوستی های صمیمانه، وابستگی به والدین و اشتیاق نسبت به برقراری رابطه صمیمانه با معلمان انعکاس می یابد. ارمود (۱۹۹۵)، نیاز پیوند جویی را به صورت نیاز به برقراری روابط صمیمانه با دیگران تعریف کرده و گفته است: نیاز به پیوند جویی دانش آموزان تعیین کننده انتخاب آنان در مدرسه است. به عنوان مثال، دانش آموزان دارای نیاز به پیوند جویی سطح پایین ترجیح می دهند تنها کار کنند، در حالی که دانش آموزان برخوردار از نیاز به پیوند جویی سطح بالا کار در گروه های کوچک را بر می گزینند (بال، ترجمه مسدد، ۱۳۷۳).

### رویکرد انتظار ضرب در ارزش

یکی دیگر از رویکردها یا نظریه های انگیزش، نظریه انتظار ضرب در ارزش است (فدر، ۱۹۸۲). این نظریه انگیزشی هم جنبه رفتاری دارد و هم جنبه شناختی (وولفلک، ۲۰۰۴). فرمول این نظریه به گونه زیر است:

ارزش تشویقی موفقیت × انتظار موفقیت = انگیزش

بنا به فرمول بالا، مقدار زمان و کوششی که افراد مایلند صرف انجام یک تکلیف یا کاری بکنند (میزان انگیزش آنان) برابر با حاصل ضرب دو عامل زیر:

✓ سطح انتظارشان در رابطه با اینکه تا چه حد آن کار را با موفقیت انجام خواهند داد.

✓ میزان ارزشی که برای انجام آن کار قائلند یا فایده و پاداشی که از انجام آن کار نصیبشان می شود (دیپوراجی، ۱۳۸۵).

ویژگی فرمول بالا این است که دو متغیر یا عامل اصلی آن یعنی انتظار موفقیت و ارزش تشویقی ناشی از موفقیت، در هم ضرب می شوند. خاصیت ضرب شدن این است که بالا بودن سطح هر عامل بر افزایش سطح نتیجه، یعنی انگیزش تاثیر فراوانی دارد. در مقابل هر گاه یکی از دو عامل صفر باشد نتیجه نیز صفر خواهد شد، یعنی انگیزش فرد برای انجام تکلیف برابر با صفر خواهد شد. به عنوان مثال اگر دانش آموز بر این باور باشد که در امتحانی که پیش رو دارد موفق خواهد شد (انتظار بالا)، و اگر موفقیت در آن امتحان برایش مهم باشد (ارزش بالا)، آنگاه انگیزش او نیز بالا خواهد بود. اما اگر هر یک از دو عامل صفر باشد (این گونه باور کند که در امتحان موفق نخواهد شد یا موفقیت در آن برایش مهم نباشد)، انگیزش او صفر خواهد بود. در فرمول بالا، ارزش ضرب در انتظار همان مفهوم خودکارآمدی است خودکارآمدی یا خودکارآمدی تصویری به باور شخص نسبت به تواناییش برای انجام یک رفتار به منظور رسیدن به یک هدف مربوط است. بنا به گفته اندرسون و بورک (۲۰۰۰)، در چهارچوب نظریه انتظار ضرب در ارزش، معلمان برای اینکه دانش آموزان را نسبت به یادگیری بر انگیزانند باید هم به آنان کمک کنند تا برای فعالیت های آموزشی و علمی ارزش قایل شوند و هم آنان را مطمئن سازند که اگر به اندازه کافی بکوشند در آن فعالیت ها موفق خواهند شد. بنا به گفته وولفلک (۲۰۰۴)، به فرمول انتظار ضرب در ارزش عامل هزینه نیز اضافه شده است. یعنی ارزشی که شخص برای انجام یک تکلیف قائل است هم به برآورد او از ارزش آن تکلیف و هم به هزینه ای که صرف انجام آن می شود وابسته است. در رابطه با هزینه ی تکلیف، یادگیرنده ممکن است مقدار کوشش با سایر منابع مورد نیاز برای انجام موفقیت آمیز تکلیف را مورد ملاحظه قرار دهد (دیپوراجی، ۱۳۸۵).

### نظریه انگیزش پیشرفت

یکی دیگر از نظریه های مربوط به انگیزش که در روانشناسی پرورشی جای مهمی دارد نظریه انگیزش پیشرفت یا نیاز به موفقیت است. منظور از انگیزش پیشرفت یا انگیزش موفقیت میل یا اشتیاق برای کسب موفقیت و شرکت در فعالیت هایی است که موفقیت در آنها به کوشش و توانایی های فرد بستگی دارد (اسلاوین، ۱۳۸۵). افراد دارای انگیزش پیشرفت سطح بالا



برای حل مشکلات و رسیدن به موفقیت بسیار کوشا هستند. حتی پس از آنکه در انجام کاری شکست خوردند، از او دست نمی کشند و تا رسیدن به موفقیت به کوشش ادامه می دهند. دانش آموزان دارای انگیزش پیشرفت بالا همواره می خواهند موفق شوند و آن را انتظار می کشند و وقتی شکست می خورند کوشش های خود را دو برابر می کنند و به فعالیت ادامه می دهند تا موفق بشوند (اسلاوین، ۱۳۸۵).

واضعان اصلی انگیزش پیشرفت مککلند، اتکینسون، کلارک و لوول (۱۹۶۱) هستند. آنها در کتاب معروف خود با عنوان انگیزه پیشرفت نوشتند بعضی افراد بلند پروازانه تر از دیگرانند و برای کسب موفقیت در زندگی می کوشند (دیوراچی، ۱۳۸۵).

پژوهشهای انجام شده نشان داده اند که افراد دارای انگیزش پیشرفت زیاد در انجام کارها، از جمله یادگیری بر افرادی که از این انگیزه بی بهره اند پیشی می گیرند. در رابطه با اینکه انگیزش پیشرفت بالا به موفقیت می انجامد یا اینکه موفقیت موجب بالا رفتن سطح انگیزش می شود؛ پژوهش ها نتایج مشخصی به دست نداده اند (اسلاوین، ۱۳۸۵). آنچه معلوم شده این است که انگیزش پیشرفت در ابتدا تحت تاثیر تجارب فرد در خانواده است، اما پس از اینکه دانش آموزان چند سالی را در مدرسه کسب تجربه می کنند موفقیت و انگیزش بر یکدیگر تاثیر می گذارند. موفقیت اشتیاق برای موفقیت بیشتر را سبب می شود که این به نوبه ی خود موفقیت را به دنبال می آورد. در مقابل دانش آموزانی که در نتیجه زحمات خود کسب موفقیت نمی کنند، انگیزش برای موفقیت در آینده را از دست می دهند (همان منبع).

نکته ای که در اینجا باید به آن اشاره کنیم این است کسب موفقیت در تکالیف آسان برای افراد دارای انگیزش پیشرفت لذت بخش نیست، بلکه کسب توفیق در تکالیف چالش بر انگیز برای این افراد مهم و افتخار آمیز است. همچنین انجام تکالیف بسیار دشوار نیز مورد علاقه ی افراد دارای انگیزه پیشرفت قرار نمی گیرد. علت آن است که انجام تکالیف خیلی ساده افتخاری نصیب فرد نمی کند و تکالیف بسیار دشوار معمولاً به شکست منجر می شوند، و این نیز افتخاری نصیب فرد نمی سازد. بنا به نظریه اتکینسون (۱۶۵۷)، افرادی که دارای انگیزش پیشرفت قوی هستند در تکالیفی که دارای درجه دشواری متوسطی هستند توفیق زیادی به دست می آورند. یعنی تکالیفی که این افراد در آن حد اکثر جدیت را نشان دهند، تکالیفی هستند که انجام آنها مستلزم قدری خطر کردن است، این ها همان تکالیف چالش بر انگیز هستند. برای یک فرد دارای انگیزش پیشرفت قوی، مقدار لذتی که هنگام موفقیت کسب می کند به سطح تصویری چالش وابسته است. با افزایش سطح چالش، لذت همراه با موفقیت نیز افزایش می یابد. علاوه بر انگیزش پیشرفت، اصطلاح انگیزه اجتناب از شکست نیز مطرح شده است انگیزه اجتناب از شکست به گرایش فرد برای دوری گزیدن از شرمساری یا تحقیر وابسته به شکست گفته می شود. افرادی که در آنها انگیزه اجتناب از شکست نیرومند است موقعیت هایی را ترجیح می دهند که در آنها نتیجه کار معلوم است و از بودن در موقعیت

های که در آنها نتیجه کار معلوم نیست مضطرب می شوند، لذا این افراد از درگیری با تکالیف چالش برانگیز می گریزند. یکی دیگر از تفاوت های میان افراد دارای انگیزش پیشرفت و افراد دارای انگیزه اجتناب از شکست پشتکار و اصرار افراد گروه اول در کسب موفقیت است. یعنی اینکه وقتی افراد دارای انگیزش پیشرفت قوی در رسیدن به هدف هایشان شکست می خورند با جدیت بیشتری به ادامه کار می پردازند. درمقابل افراد دارای اجتناب از شکست از کار دست می کشند. پژوهش های انجام شده نشان داده اند که انگیزه اجتناب از شکست با انگیزه پیشرفت رابطه منفی دارد. یعنی اینکه وقتی یکی از آنها نیرومند است دیگری ضعیف است (اتکینسون، ۱۳۸۴).

### نظریه انگیزشی نسبت دادن

بنا به نظریه نسبت دادن (اسناد) چگونگی ادراک و تفسیر فرد از علت های موفقیت و شکست های خودش از تعیین کننده های اصلی انگیزش او به حساب می آید. فرض این نظریه آن است که ما انسان ها می کوشیم تا به کمک دلایلی که برای رفتارهای خودمان و دیگران می یابیم آن رفتارها را درک کنیم. نظریه نسبت دادن انگیزش به ما می گوید که چگونه تبیین ها، توجیه ها، و بهانه های فرد درباره خودش و دیگران بر انگیزش او تاثیر می گذارند. یکی از نظریه پردازان اصلی در حوزه نسبت دادن برنارد واینر (۲۰۰۰) است که از روانشناسان پرورشی سرشناسی است که نظریه نسبت دادن را به یادگیری و آموزش پیوند زده است (بال، ترجمه مسدد، ۱۳۷۳).

در رابطه با کاربردهای آموزشی نظریه انگیزشی نسبت دادن می توان گفت، مشکل بزرگ آموزشی معلمان وجود دانش آموزانی است که دارای مفهوم خود پنداره سطح پایینی هستند. این مفهوم خود ضعیف از شکست های پیاپی آنان در یادگیری ناشی شده است این دانش آموزان بین موفقیت ها و اعمال خود رابطه نزدیکی نمی بینند و شکست خود را به فقدان توانایی نسبت می دهند. این اعتقاد که نتایج اعمال آنها مستقل از اعمال آنهاست، به درماندگی آموخته شده می انجامد. این نوع اسنادها ناسازگارند و باید آنها را تغییر داد. برای این منظور شرایط آموزشی باید بر یادگیری تاکید کند نه بر پیشرفت. تاکید بر یادگیری مشوق کوشش های دانش آموز است و از طریق تاکید بر فعالیت های دانش آموز، به عوض تاکید بر درست یا غلط بودن پاسخ او، بازخوردهای لازم فراهم می شوند و اشتباهات اصلاح می شوند. اقدام آموزشی دیگر، کاهش رقابت میان دانش آموزان برای کسب نمره است. ایمس (۱۹۸۷) در پژوهشی که در رابطه با تاثیر رقابت بر موفقیت انجام داده است نشان داد که در موقعیت های آموزشی که در آن رقابت میان دانش آموزان حاکم بوده، حتی دانش آموزان دارای مفهوم خود سطح بالا نیز با شکست مواجه شده اند و به دنبال آن انتقاد افزایش یافته و تصورات فرد نسبت به توانایی شخصی اش کاهش یافته است (سیف، ۱۳۸۷).

## راهبردهای ایجاد انگیزش تحصیلی در یادگیرندگان

بهترین راه ایجاد انگیزش تحصیلی در یادگیرندگان نسبت به یادگیری بهبود شرایط یادگیری و افزایش سطح کیفیت روش های آموزشی است. از این طریق یادگیرندگان در یادگیری به موفقیت بیشتری می رسند و این کسب موفقیت علاقه و انگیزش آنها را نسبت به مطالب جدید افزایش می دهد. در زیر روش ها و فنونی معرفی می شوند که استفاده از آنها معلمان را در بالا بردن سطح انگیزش تحصیلی یادگیرندگان یاری می دهد:

هدفهای آموزشی خود را در آغاز درس به یادگیرندگان بگویید و از آنها بخواهید تا برای خود نیز هدفهای یادگیری انتخاب کنند: یادگیرندگانی که از هدفهای آموزش و درس مطلع نمی شوند به خوبی یادگیرندگانی که معلم پیش از آغاز درس دقیقاً به آنها می گوید که چه انتظاراتی از آنها دارد نیستند. معلم از یادگیرندگان بخواهد تا آنان نیز برای خود هدفهای یادگیری برگزینند. داشتن هدف از سوی یادگیرنده موجب بالا رفتن سطح انگیزش تحصیلی او می شود (کدیور، ۱۳۸۶).

در شرایط مقتضی از تشویقهای کلامی استفاده کنید: در بسیاری مواقع، تقویت ملموس به اندازه تشویق های کلامی معلم موثر نیست. استفاده از اظهاراتی چون خوب، عالی و آفرین پس از عملکرد درست دانش آموزان تدابیر موثر انگیزش تحصیلی است. موثرترین تشویق آن است که به رفتار و عملکرد درست دانش آموز وابسته باشد. ضمناً معلم نباید بیشتر از اندازه لازم دانش آموز را مورد ستایش قرار دهد. تشویق بیش از حد اثرش را از دست می دهد و از خاصیت تقویت کنندگی آن می کاهد. تشویق کلامی دارای دو جنبه است: (۱) انگیزشی: دریافت کلماتی از یک منبع با ارزش به عنوان علامتی از تحسین برای دانش آموز دلنشین است. تحسین باید از سوی کسی باشد که به نظر دانش آموز آن شخص با ارزش است. اگر دانش آموز نسبت به معلم خود نفرت داشته و نسبت به او بی اعتنا باشد، تعریف و تمجید معلم برای او تحقیر آمیز و بی ارزش خواهد بود. برای اینکه تشویق کلامی معلم موثر باشد او باید مورد علاقه و احترام دانش آموز باشد. (۲) بازخوردی: تشویق کلامی می تواند اطلاعات مهمی درباره دانش آموز و عملکردش به معلم بدهد. اگر ارزش بازخوردی تحسین تحقق یابد مورد احترام بودن معلم اهمیت ویژه ای می یابد. تشویق کلامی باید: برای عملکردهای مشخص صورت گیرد نه به طور اتفاقی، دانش آموز را از ارزش کاری که انجام می دهد آگاه کند، نتیجه کار دانش آموز را به موفقیتهای فردی پیشین آنها نسبت دهد، تشویق کلامی باید دانش آموز را از پیشرفت هایش آگاه کند (کدیور، ۱۳۸۶).

از آزمونها و نمرات به عنوان وسیله ای برای ایجاد انگیزش تحصیلی در یادگیرندگان استفاده کنید: با توجه به اینکه که نتایج آزمونها به صورت نمره هایی که به یادگیرندگان داده می شود با پاداش های مختلف چون تایید معلم و والدین، ارتقاء به کلاس بالاتر، دریافت گواهینامه و ... وابسته است.

از خاصیت برانگیزانندگی موضوع های مختلف استفاده کنید و آموزش خود را با تجارب و موارد جالب همراه سازید: محرک های تازه، تعجب برانگیز، و پر معنی سطح برانگیختگی را افزایش می دهند و سبب تحریک کنجکاوی یادگیرنده می شوند. معلم می تواند با ارائه مسائل و مطالبی که از این ویژگی ها برخوردارند در یادگیرنده ایجاد انگیزش تحصیلی می کند(سیف، ۱۳۸۷).

مطالب درسی را از ساده به دشوار ارائه دهید: ارائه مطالب درسی به صورت متوالی از ساده به دشوار، موجب می شود که یادگیرندگان ابتدا در یادگیری مطالب ساده به اندازه کافی موفقیت به دست آورند. این کسب موفقیت اولیه انگیزش یادگیرنده را برای یادگیری های بیشتر افزایش می دهد و برآمدگی او می افزاید. کسب موفقیت غالباً به دریافت پاداش و تأیید از سوی معلم و والدین منجر می شود که این خود یکی از عوامل مهم انگیزشی به شمار می آید. بنابراین معلم باید سعی کند تا در تمام مراحل آموزشی برای همه یادگیرندگان فرصت کسب موفقیت فراهم کند(کدیور، ۱۳۸۶).

از ایجاد رقابت و هم چشمی در میان دانش آموزان جلوگیری کنید: معلم باید در ایجاد رقابت بین دانش آموزان که به کسب موفقیت در معدودی از آنها و شکست اکثریت آنها می انجامد جلوگیری کند. برای جلوگیری از رقابت در بحث های کلاسی، معلم می تواند در جریان بحث، پس از گفتن نام دانش آموزی معین، به طرح سوال پردازد نه اینکه ابتدا اول سوال را مطرح کند و بعد از کلاس بخواهد تا هر که می خواهد به طور داوطلبانه به سوال او جواب دهد.

هنگام آموزش مطالب تازه از مثال های آشنا و هنگام کاربرد مطالب آموخته شده از موقعیت های تازه استفاده کنید: وقتی که می خواهید مطالب تازه ای را به دانش آموزان بیاموزید آن را با استفاده از مثال ها و موارد ملموس و آشنا برای یادگیرندگان توضیح دهید. این اقدام به جریان یادگیری سرعت می بخشد و سطح مندی دانش آموزان را افزایش می دهد. اما هنگامی که می خواهید کاربرد مطالب آموخته شده را نشان دهید آنها را در موقعیت های تازه و بدیع به کار ببرید. استفاده از موقعیت های تازه از یکنواختی مطلب و حالت کسل کنندگی آن می کاهد و به علاقه یادگیرنده در استفاده از آنچه که آموخته است می افزاید(کدیور، ۱۳۸۶).

علاوه بر توضیح و تشریح مطالب به طور کلامی، تا آنجا که ممکن است از روش های دیگر آموزشی نیز استفاده کنید و دانش آموزان را به مشارکت در یادگیری تشویق نمایید: بحث گروهی، بازی های آموزشی، گزارش انفرادی و گروهی به وسیله دانش آموزان، گزارش مطالب دروسی مانند تاریخ به صورت نمایش زنده، و هر تدبیر دیگری که دانش آموزان را در فعالیت یادگیری شرکت دهد به مقدار زیاد انگیزه آنها را بالا می برد. کسل کننده ترین روش آموزشی آن است که معلم

تمام وقت کلاس را به خود اختصاص دهد و فرصت هیچ گونه فعالیت و اظهار نظری را به دانش آموزان ندهد. یکی از مهمترین راه های ایجاد انگیزه به یادگیرندگان شرکت دادن آنها در فعالیت کلاسی است.

پیامد منفی مشارکت یادگیرندگان در فعالیت یادگیری را کاهش دهید: مشارکت دانش آموزان در جریان یادگیری باید با تقویت مثبت مواجه گردد تا موجب دلسردی آنها نشود. برای این منظور معلم باید سعی کند از پیامدهای آزاردهنده این کار جلوگیری کند.

به دانش آموزان تکالیفی بدهید که نه خیلی ساده و نه خیلی دشوار باشد: سطح مسایل و تکالیف درسی باید منطبق بر سطح توانایی یادگیرنده باشد به گونه ای که او با کوششی که به کار می گیرد، از عهده انجام آنها برآید. یادگیرندگان زمانی از بیشترین میزان انگیزش تحصیلی برای یادگیری برخوردارند که سطح چالش انگیزی تکالیف یادگیری متوسط باشد.

از خرده گیری در حد لازم استفاده کنید: خرده گیری به صورت داعیه به کار می رود عیب گرفتن از کار دانش آموز ممکن است او را بر آن دارد تا برای دوری جستن از ملامت جهد و تلاش کند، ولی اگر خرده گیری با نظر اصلاحی همراه نباشد، احتمالاً کار بی اثری خواهد بود. خرده گیری را نباید بیش از اندازه به کار برد، وگر نه دانش آموز دلسرد شده و از کوشش دست برمی دارد (درویل ترجمه، پارسا، ۱۳۷۷).

از مشوق های درونی و بیرونی استفاده کنید: مشوق های بیرونی به پاداش ها و تقویت کننده هایی که نسبت به فعالیت یادگیری جنبه بیرونی دارند مانند، ستایش و نمره خوب گفته می شود. بعضی وقت ها موضوع یادگیری به گونه ای است که برای دانش آموزان مفید و مورد نیاز آنان است و با اشتیاق آن را یاد می گیرند. برای این دانش آموزان به مشوق های بیرونی نیازی نیست، این دانش آموزان برای انجام کارهای مورد علاقه شان دارای انگیزه درونی هستند (سیف، ۱۳۸۷).

### انگیزش تحصیلی: جمع بندی

بطور کلی می توان گفت، راهبردهای انگیزش تحصیلی برای یادگیری به آن دسته از رفتارهایی گفته می شود که با یادگیری و پیشرفت در ارتباط هستند. انگیزش پیشرفت تحصیلی را براساس رویکردهای گوناگونی تعریف نموده اند. بعضی از این رویکردها به انگیزش هایی مربوط به موفقیت به طور عام می پردازند. یکی از آنها رویکرد هدف هاست. رویکرد هدف ها براساس انگیزش های سازگارانه و ناسازگارانه پدید آمده است (ایمز، ۱۹۹۰).

تحقیق ها در زمینه رویکرد هدف ها نشان داده است که افراد با توانایی های یکسان، هنگامی که با مشکلات یادگیری روبه رو می شوند، انواع پاسخ ها را ارائه می دهند. بعضی از افراد با وجود توانایی های سطح بالا، دشواری ها را آنچنان بزرگ جلوه می دهند که به نظر می رسد توانایی آنها محدود است و از اینکه تلاش های آنها به موفقیت بینجامد، ناامید هستند. این نحوه رفتار گاهی در قالب الگوی درماندگی آموخته شده تفسیر می شود که به نوعی ناسازگارانه است، زیرا در مقابل رسیدن افراد به اهداف ارزشمند مانع ایجاد می کند. در مقابل افراد دیگری هستند که مشکلات موجود در سر راه را حل شدنی دانسته و از آنها ناراحت نمی شوند و حتی در وجود خود احساس لذت فایق آمدن بر چالش دارند. آنها به تغییر دادن راهبردها با حداکثر تلاش توجه نموده و توان حل مسأله خود را تقویت می نمایند. در واقع این واکنش ها را پاسخ هایی با جهت گیری تسلط می نامند (ایمز، ۱۹۹۰).

بنابراین راهبردهای انگیزش تحصیلی، یکی از اصلی ترین مولفه های اثرگذار بر یادگیری موفق بوده و در صورت توجه آموزش دهندگان به این مولفه، محیط های یادگیری برای یادگیرندگان جذاب تر و بانشاط تر خواهد بود.

### پیشرفت تحصیلی

پیشرفت تحصیلی، هدفی است که بسیاری از دانش آموزان مشتاقانه آرزو دارند به آن دست پیدا کنند. اصولاً دانش آموزان به دو گروه تقسیم می شوند. گروهی که درس و مدرسه اصلاً برایشان مهم نیست و گروهی که همان طور که گفتم آرزویشان فقط و فقط موفقیت در تحصیل است. اگر جز گروه دوم هستید پیشنهاد می کنم به هیچ وجه این مقاله را از دست ندهید. چرا که ابتدا قرار است ببینیم پیشرفت تحصیلی چیست و سپس، به بررسی راه هایی بپردازیم که ما را به آن نزدیک و نزدیک تر می کند...

در این مقاله قرار است مطالب بسیار عالی و درجه یکی به شما گفته شود که اگر آن ها را به خوبی رعایت کنید، موفقیت و پیشرفت تحصیلی خوبی در انتظارتان خواهد بود.

### پیشرفت تحصیلی چیست ؟

درست است که موفقیت تحصیلی و پیشرفت تحصیلی، تفاوت های کوچکی با یکدیگر دارند. اما چون میزان شباهت های این دو به هم بسیار زیاد است، ما هم این دو کلمه را مترادف در نظر می گیریم و اصطلاحاً دعوای ملا لغتی نمی کنیم! تعریف موفقیت یا همان پیشرفت تحصیلی، درست مثل تعریف خود کلمه موفقیت است. هرکسی می تواند تعریفی از آن داشته باشد. البته به شرایط و سن و سال هر شخصی هم بستگی دارد. طبیعتاً هیچ دانش آموز کلاس دومی نمی تواند ادعا کند که موفقیت من، قبول شدن در کنکور است! همان طور که تکالیف زیبا نوشتن برای یک دانش آموز دبیرستانی اهمیتی ندارد! پس نمی توان تعریف واحدی برای موفقیت تحصیلی داشت. اما در اینجا می خواهیم به چند مورد از رایج ترین و پرتکرارترین تعاریف برای آن اشاره کنم.

## انواع موفقیت تحصیلی

همان طور که گفتیم، موفقیت یا پیشرفت تحصیلی از دید هر کس تعریف متفاوتی دارد. در اینجا این تعاریف را از نظر دانش آموزان، کنکوری ها و دانشجویان بررسی خواهیم کرد.

### ۱. موفقیت تحصیلی دانش آموزان

تعریفی که یک دانش آموز از پیشرفت تحصیلی می تواند داشته باشد، نهایتاً کسب نمره ۲۰ یا تشویق شدن در میان هم کلاسی هایش است! البته یک دانش آموز ابتدایی!

اوج موفقیت در دوران راهنمایی و دبیرستان هم قبولی در مدارس تیزهوشان و استعدادهای درخشان است که باعث رقم خوردن اتفاقات عالی برای خود دانش آموز و خانواده اش می شود. موفقیت هایی که در آینده ممکن است خیلی هم به چشم نیایند، اما نمی توان آنها را بی اهمیت جلوه داد. چون از همین اتفاقات خوب کوچک است که در آینده موفقیت های بزرگ حاصل می شود...

### ۲. موفقیت در کنکور

کنکور، مرحله مهم بعدی زندگی یک دانش آموز است. مرحله ای که شاید برای خانواده هم از اهمیت بالایی برخوردار باشد. چون بالأخره آینده تحصیلی و حتی شغلی فرد را مشخص و تعیین می کند.

برای موفقیت در کنکور، روش ها و اختلافات زیادی میان افراد صاحب سبک وجود دارد. البته نه در حیطه روانشناسی، بلکه در حیطه درسی و مهارتی آن! به هر حال هر موضوعی یک بخش مهارتی دارد و یک بخش روانشناسی که در بخش دوم، نظرات معمولاً مشترک است.

### ۳. موفقیت تحصیلی در دانشگاه

بعد از کنکور، به مرحله ای می رسیم که دیگر نمی توان تعریفی مشخص برای موفقیت در آن اشاره کرد. موفقیت تحصیلی در دانشگاه! دانشجویان در این زمان با دید بازتری به زندگی و درس و تحصیل نگاه می کنند و هر کس، تعریف خاص خودش را از موفقیت تحصیلی دارد. یک نفر فقط می خواهد که زودتر از شر درس راحت شود و با مدرکش، برود سراغ زندگی خودش! یکی فقط سرش در کتاب هایش است تا بتواند به وسیله درسش، شغلی در آینده برای خودش دست و پا کند و یک نفر هم، هیچ هدف خاصی ندارد!

پس موفقیت دانشجویان را در درس نمی توان پیش بینی کرد. چون بسته به هر فرد، تغییر می کند.

موفقیت - راه های موفقیت تحصیلی چیست؟

### اهمیت پیشرفت تحصیلی

مسلماً پیشرفت تحصیلی برای همه دانش آموزان اهمیت چندانی ندارد. قطعاً شما هم آن دسته از دانش آموزانی که درس نمی خوانند و همیشه نمراتشان پایین است را دیده اید. خب این افراد به هیچ وجه پیشرفت تحصیلی را جدی نمی گیرند و اصلاً علاقه ای هم به آن ندارند!

شاید یکی از دلایلی که باعث شده این افراد برای پیشرفت تحصیلی هیچ تلاشی نکنند، این باشد که اهمیت آن را نمی دانند. در اینجا قصد داریم ۵ مورد از مهم ترین اهمیت های پیشرفت تحصیلی را برایتان بیان کنیم.

### ۱. چشیدن طعم شیرین موفقیت

۲. تشویق میان دوستان و خانواده

۳. داشتن حال خوب

۴. بالا رفتن علم و آگاهی

۵. سابقه ای خوب برای آینده

### راه های موفقیت تحصیلی

همان طور که گفتم در اینجا بیشتر راه های روانشناسی رسیدن به موفقیت تحصیلی را با یکدیگر بررسی می کنیم. اگر می خواهید با تکنیک هایی آشنا شوید که بتوانید با استفاده از آن ها مطالب را بهتر به خاطر سپارید و میزان یادگیریتان به طور حیرت انگیزی چند برابر شود، پیشنهاد می کنم حتماً سری هم به مقاله افزایش قدرت یادگیری مغز بزنید. در ادامه به راه های موفقیت و پیشرفت تحصیلی اشاره می کنیم...

#### ۱. مشخص کردن هدف

وقتی هدف مشخصی در کاری نداشته باشید، مسلماً مسیرتان هم نامشخص خواهد بود. فردی که بدون راهنما و برای اولین بار به سفری می رود را تصور کنید. چگونه می تواند مقصد خود را مشخص کند؟ یا کس دیگری که بدون قطب نما و در بیابانی ناشناس می خواهد قبله را بداند. این دو نفر چگونه می توانند به خواسته خود برسند؟ بسیار سخت و تقریباً غیر ممکن.

هدف ها هم برای ما نقش راهنما و قطب نما را مشخص می کنند. وقتی بدون هدف در تحصیل (که می تواند همان تعریف شما از موفقیت تحصیلی باشد) به دنبال پیروزی و موفقیتی هستید، انتظار این را نداشته باشید که بتوانید به آن برسید! چون قطعاً نمی توانید. پس خواسته و هدف خود را از جایی که می خواهید به آن برسید، دقیقاً مشخص کنید...

نداشتن هدف نمی گذارد به پیشرفت تحصیلی برسید

#### ۲. موفقیت تحصیلی با قانون جذب

تا کنون راجع به قانون جذب چیزی شنیدید؟ قانونی که معمولاً باعث رسیدن ما به آرزوها و اهدافمان می شود. چگونه؟ دقت کردید وقتی درباره موضوعی زیاد صحبت می کنیم، به چیزی فکر می کنیم و یا اتفاقی را تجسم می کنیم، آن اتفاق بعد از مدتی برای ما می آفتد؟

این همان قانون جذب است. همان طور که قانون جاذبه زمین با وارد کردن نیرویی به طرف جسم، آن را به سمت خودش می کشد، قانون جذب هم که همان فکر کردن و گذاشتن تمرکزمان روی موضوعی است، به کائنات این خبر را می دهد که من به افتادن این اتفاق نیاز دارم و باید به آن چیزی که می خواهم برسم.

پس وقتی به هدف و موفقیتی که می خواهیم برسیم زیاد فکر کنیم و آن را تصور کنیم، ناخودآگاه کائنات را وادار می کنیم که هدفمان را برایمان دست یافتنی کنند و در نهایت، به آن می رسیم.

پس این قانون می تواند به ما در موفقیت تحصیلی کمک بسیار زیاد و شایانی بکند.

راه های موفقیت تحصیلی چیست؟

نکته مهمی که درباره قانون جذب می خواهم بهتان بگویم این است که: حواستان باشد، قانون جذب همیشه در حال عمل کردن است. پس هیچ گاه افکار منفی و نمی توانم ها را به ذهن خود راه ندهید. چون کائنات همان لحظه ممکن است این افکار را دریافت و جذب کنند و درست، برعکس آن چیزی که ما می خواهیم عمل کنند. پس هیچ گاه، تکرار می کنم هیچ گاه، افکار منفی را به خودتان راه ندهید.



### ۳. جملات انگیزشی تحصیلی

یکی از بهترین راه ها برای رسیدن به موفقیت در هر کاری، انگیزه دادن به خود است. و دقیقاً بهترین راه برای انگیزه دادن هم خواندن جملات انگیزشی در رابطه با آن موضوع است. در ادامه چند مورد از بهترین جملات برای موفقیت تحصیلی را برای شما بیان می کنم اما پیشنهاد می کنم با مطالعه مقاله جملات انگیزشی برای دانش آموزان با تعداد بیشتری از این جملات آشنا شوید و از آن ها استفاده کنید.

- موفقیت، توانایی رفتن از شکستی به شکست دیگر بدون از دست دادن شور و انگیزه است. (چرچیل)
- تلاش نکنید انسان موفق باشید، بلکه برای با ارزش شدن تلاش کنید. (آلبرت انیشتین)
- شانس، نام دیگر پایداری در هدف است. (رالف والدو امرسون)
- می توانم شکست را بپذیرم، اما تلاش نکردن را هرگز! (مایکل جردن)
- پشتکار یعنی مواجه شدن با ترس ها بدون اینکه تسلیم شوید.

این جملات را به اضافه سایر جملات انگیزشی فوق العاده می توانید مدام با خودتان تکرار کنید و در همه جا به آن ها فکر کنید، چون مسلماً انگیزه شما را چند برابر خواهند کرد. همچنین اگر کنکوری هستید، می توانید از مقاله جملات انگیزشی کنکور هم کمک بگیرید.

### ۴. باور داشتن

وقتی به خودت باور داشته باشی و قبول کنی که می توانی هر کاری را که بخواهی انجام دهی، پس قطعاً می توانی. دور من نمی توانم ها را هم خط بکش. چون مانع موفقیت تو می شوند. چه جالب! دقیقاً مثل قانون جذب! بله قانون جذب و قدرت باور به خود، دو موضوع مربوط به هم هستند. با این تفاوت که با قانون جذب، به کائنات اعلام می کنی که می خواهی به موفقیت برسی، و در قدرت باور به خود، به خودت موفقیت را دیکته می کنی. شک نکن هیچ موفقیتی در انتظارت نخواهد بود اگر بگویی: من نمی توانم... .

### ۵. صبور بودن

دیدید افرادی را که بسیار عجول هستند و می خواهند تا دست به کاری زنند، طعم شیرین موفقیت را در آن بچشند؟ مگر اصلاً همچین چیزی وجود دارد؟ از قدیم به ما گفته اند که: گر صبر کنی ز غوره حلوا سازند! بدون صبر و تحمل شک نکنید که به موفقیتی نخواهید رسید. چون صبر، یکی از ویژگی های اصلی افراد موفق است. اگر این خصوصیت را در وجود خود ندارید، که پیشنهاد می کنم همین الان به دنبال راهی باشید تا آن را به وجود بیاورید وگرنه ممکن است در آینده نتوانید اتفاقات خوبی را برای خودتان رقم بزنید. وقتی شما تلاشتان را با تمام قوا انجام می دهید، دیگر کاری نمی توانید بکنید. باید منتظر باشید و با همان توان ادامه دهید تا به موفقیت شیرینتان دست پیدا کنید.

## ۶. پشتکار و اراده

دقت کردید هر جا که می‌خواهیم مهارتی را یاد بگیریم، و یا به هدفی برسیم، بهمان می‌گویند تلاش کن و پشتکار داشته باش تا به هدفت برسی.

بهتان حق می‌دهم که از جمله کلیشه ای بالا خسته شده باشید. چون خود من هم بارها این جمله را شنیده ام و دیگر از شنیدن آن خیلی خوشم نمی‌آید.

اما باور کنید اولین قدم برای رقم خوردن اتفاقی، پشتکار و اراده و تلاش است. تا تصمیم نگیرید و روی آن مصمم نباشید، هیچ اتفاقی نخواهد افتاد. این را من با بند بند وجودم درک کرده ام که حالا دارم برایتان می‌نویسم. درست است این نکته تکراری بود، اما مهم ترین راه را که نمی‌توان از مطلب حذف کرد! می‌توان؟؟؟

موفقیت تحصیلی چیست؟ | پشتکار و اراده

## ۷. کنترل اضطراب

یکی از بزرگترین اشتباهات دانش آموزان، این است که معمولاً شب امتحان یا حتی در خود زمان امتحان استرس زیادی می‌گیرند. همین استرس زیاد، اصولاً باعث خراب شدن امتحاناتشان می‌شود و یکی از عوامل اصلی پیشرفت نکردن در درس و مدرسه است.

البته این استرس تا حدی طبیعی است. اما فقط تا حدی! بعضی از افراد بیش از حد استرس و اضطراب بر آن‌ها چیره می‌شود و نمی‌گذارد در درسشان پیشرفتی داشته باشند. تا زمانی که شما مدیریت استرس را یاد نگیرید، پیشرفت تحصیلی هم در انتظارتان نخواهد بود...

## ۸. برنامه ریزی

قطعاً یکی از اصلی ترین راه های رسیدن به موفقیت در هر زمینه ای، داشتن برنامه ریزی اصولی و مناسب است. البته ممکن است برنامه هر کس با فرد دیگر متفاوت باشد و نتوان یک نوع برنامه ریزی را برای همه پیشنهاد داد.

اما بهترین نوع برنامه ریزی، روزانه است. البته به شرطی که یک سری اصول در آن رعایت شود.

مثلاً یک برنامه ریزی روزانه اصولی باید:

- نوشته شود
  - تمام کارها در آن مورد بررسی قرار بگیرد
  - دارای زمان استراحت کافی باشد
  - خیلی سخت نباشد
  - انعطاف پذیر باشد
  - و کلی شرایط دیگر داشته باشد تا بتوان با استفاده از آن به موفقیت رسید.
- پیشنهاد می‌کنم حتماً مقاله برنامه ریزی درسی را هم که برایتان نوشته ایم و در آن به این نکات مهم اشاره کردیم، مطالعه کنید تا بتوانید با رعایت همین تکنیک، موفقیت و پیشرفت تحصیلی را از همیشه به خودتان نزدیک تر ببینید...

## ۹. عدم قیاس

دیدید افرادی را که مدام خودشان را با دیگران مقایسه می‌کنند؟ این افراد نمی‌دانند که دارند بزرگترین ظلم را در حق خودشان می‌کنند!

چرا که معمولاً با افراد هم رده و شبیه به خودشان مقایسه نمی‌کنند. بلکه با افرادی این کار را انجام می‌دهند که مدت هاست تلاش کرده و به موفقیت رسیده اند!

مثلاً یک دانش آموزی که از ابتدای سال تحصیلی هیچ درسی نخوانده و تلاشی نکرده، مسلماً بعد یک روز، یک هفته یا یک ماه درس خواندن، نباید خودش را با شاگرد اول مدرسه که از قضا روزی چندین ساعت درس می‌خواند مقایسه کند! چرا که هم انرژی او پایین می‌آید و هم این مقایسه از بیخ و بن اشتباه است.

پس هیچ گاه، ابتدای کار خودتان را با انتهای کار دیگران مقایسه نکنید.

برای پیشرفت تحصیلی، ابتدای کار خود را با دیگران مقایسه نکنید

## ۱۰. خواب کافی

یکی از اصلی ترین دلایل عدم پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، نداشتن استراحت و خواب کافی است. خود من هم اوقاتی که درست استراحت نمی‌کنم، میزان یادگیری ام بسیار کاهش پیدا می‌کند. این اتفاق کاملاً هم طبیعی است و اصلاً ذهن انسان این طور ساخته شده. پیشنهاد می‌کنم خواب کافی را حتماً در اولویت قرار دهید وگرنه ممکن است تبعات جبران ناپذیری در انتظارتان باشد.

حواستان به این نکته باشد که هر چه ذهن شما سر حال تر باشد، میزان یادگیریتان هم بیشتر خواهد بود.

دانش آموزان موفق از همان ابتدا موفق نبودند! بلکه دانش آموزی بودند شبیه دیگران! اما تفاوت از زمانی شروع شد که آن ها این نکات مهم را رعایت کردند و موفق شدند؛ فرمول موفقیت درسی یکسان است و هر دانش آموزی می‌تواند با رعایت نکاتی که نام بردیم به آن برسد.

اما گروهی از دانش آموزان سال تحصیلی خود را خوب شروع نمی‌کنند و در میانه راه تصمیم به تغییر گرفته و برای آینده درسی خود هدفگذاری می‌کنند. اگر شما هم جز این گروه از دانش آموزان هستید به شما تبریک می‌گوییم! باید بدانید که این مسیر، مسیری پر فراز و نشیب است و باید کفش آهنی به پا کنید تا بتوانید موفق شوید!

درس خواندن سخت است و ما انکارش نمی‌کنیم. در دوره زمانی که گوشی های موبایل و شبکه های اجتماعی مختلف و بازی های رایانه ای به شدت فراگیر شده اند، قطعاً درس خواندن و تمرکز کردن بر آن، کاری دشوار است و باید بدانید که هر که طاووس خواهد، جور هندوستان کشد!

اگر قصد دارید در رشته های خوب مثل پزشکی و دندانپزشکی و دارو سازی و انواع مهندسی ها و حقوق و... در دانشگاه های دولتی برند پذیرفته شوید، سختی های مسیر را هم باید تحمل کنید و اصولی مطالعه کنید و تمام انرژی تان را برای رسیدن به اهدافتان خرج کنید. با وجود همه این سختی ها، باید بدانید که اگر در ابتدای کار فقط یک نکته مهم را مانند همه دانش آموزان موفق رعایت کنید، قطعاً شما هم موفق خواهید شد و پیشرفت تحصیلی خواهید داشت. آن نکته مهم، داشتن ساعت مطالعه بالاست. اگر ساعت مطالعه شما بالا باشد حتی اگر سطح یادگیری پایینی هم داشته باشید باز موفق خواهید شد.

ساعت مطالعه بالا، موفقیت تحصیلی را برای شما تضمین می‌کند

۱۰ راه مهم برای موفق شدن در تحصیل را در این مقاله برایتان بیان کردم. ۱۰ راهی که اگر گام به گام با آنها پیش بروید، قطعاً می‌توانید گام برتر زندگیتان را بردارید و به آن هدف و موفقیتی که در ذهنتان درباره درس و تحصیل هست برسید. شک نکنید که می‌توانید. اگر قرار بود نتوانید، اصلاً به این دنیا نمی‌آمدید! بدون ترس به سمت جلو پیش بروید و حواستان باشد که حالا دیگر می‌دانید راه های پیشرفت تحصیلی چیست و اگر به آن دست پیدا نکنید، ظلم بزرگی در حق خود کرده اید.

### بهترین راه موفقیت در تحصیل

طبیعتاً همه افراد می‌توانند بدون هیچ راهنمایی به موفقیت تحصیلی برسند! اما بعد از چند سال؟ چقدر دیدید افرادی را که چندین سال است پشت کنکور مانده اند و نمی‌توانند رتبه قبولی بیاورند؟ چقدر دیدید افرادی را که بارها با نمرات پایین خود سرکوفت های خانواده و دوستان را به جان خریده اند؟ چقدر دیدید دانش آموزانی که را که بعد از چند سال هنوز نمره قبولی درسی را به دست نیاورده اند؟ چقدر دیدید...

می‌توانم به اندازه یک کتاب از این دست مثال‌ها برایتان بزنم؛ اما باز هم می‌گویم که همه این افراد می‌توانند بدون راهنما و مشاور به موفقیت برسند! فقط همان طور که گفتم ممکن است چند سال از زندگی آن‌ها نابود شود و روزهای مهمی را از دست بدهند. به همین دلیل مهم‌ترین و اصلی‌ترین توصیه ما برای موفقیت در درس و تحصیل، کمک گرفتن از یک فرد خبره و متخصص در این حوزه است.

ما هم دقیقاً به همین دلیل بسته جامع امپراطور تحصیلی را برای شما تولید کردیم که بتوانید با استفاده از نکات ریز و تخصصی مشاور تحصیلی گام برتر، وحید ایمنی، هم شیوه های صحیح مطالعه دروس را یاد بگیرید و هم انگیزه خود را به طور قابل توجهی برای درس خواندن افزایش دهید. شک ندارم اگر با خود این بسته دقیق تر آشنا شوید و توضیحات آن را کامل مطالعه نمایید، حتماً خواهید دانست که چقدر شما هم به آن احتیاج دارید. پس برای این کار، به صفحه بسته جامع امپراطور تحصیلی مراجعه کنید. موفق باشید...

### پیشینه پژوهش

ملک پور و همکاران در سال ۱۳۹۲ در پژوهش خود عنوان کردند، یکی از درس‌هایی که دانش‌آموزان در آن ضعف دارند و به افت تحصیلی آنها می‌انجامد، درس ریاضیات است. با توجه به اهمیت این درس، هدف مطالعه حاضر بررسی رابطه بین استنباط دانش‌آموزان از نگرش والدین به ریاضیات و متغیرهای فردی (انگیزش، اضطراب ریاضیات و اعتماد به نفس) با نمره درس ریاضیات در دانش‌آموزان سوم راهنمایی بود. در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از پرسشنامه های استنباط از نگرش پدر و مادر به ریاضیات، اضطراب ریاضیات، انگیزه ریاضی، و اعتماد به نفس ریاضی (فنما و شرم، ۱۹۷۶) استفاده شد. متغیر ملاک هم عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در درس ریاضیات بود که به وسیله نمره ریاضی آنها در امتحان نیمسال اول سنجیده شد. نتایج نشان داد که متغیر عملکرد ریاضیات توسط سه متغیر اعتماد به نفس، نگرش مادر و نگرش پدر بطور معناداری پیش‌بینی شده است.

فخری و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با هدف پیش بینی اهداف پیشرفت بر اساس عاطفه مثبت و منفی با واسطه گری باورهای خودکارآمدی تحصیلی در یک مطالعه همبستگی، نشان دادند زمانی که باورهای خودکارآمدی تحصیلی در معادله رگرسیون حضور ندارد، رابطه میان عاطفه مثبت و منفی و اهداف پیشرفت معنادار است؛ درحالی که این رابطه زمانی که این متغیر کنترل می شود، معنادار نیست. با توجه به این که در مطالعه فوق، عاطفه مثبت و منفی به واسطه باورهای خودکارآمدی تحصیلی پیش بینی کننده اهداف پیشرفت در دانش آموزان دبیرستانی بود؛ لذا نتایج مطالعه حاضر برای استفاده سازمان هایی همچون آموزش و پرورش در جهت به کارگیری برنامه هایی به منظور ارتقاء باورهای خودکارآمدی تحصیلی و بهبود عملکرد آموزشی دانش آموزان مفید به نظر می رسد.

خیر و همکاران در پژوهشی در سال ۱۳۹۱ با هدف بررسی میزان سوگیری باورهای خودکارآمدی دانش آموزان با توجه به ملاک های بیرونی، و تاثیر آن بر پیامدهای انگیزشی، عاطفی و عملکرد تحصیلی آنان، نشان دادند که بیشتر دانش آموزان دچار خطای بیش برآورد خودکارآمدی تحصیلی هستند. تحلیل واریانس پیامدهای انگیزشی و عاطفی حاکی از تفاوت معنادار میانگین گروه دارای باورهای خودکارآمدی واقع بینانه و بدبینانه، به نفع گروه اول بود. همچنین در متغیر عملکرد ریاضی، میانگین های هر سه گروه بطور معناداری از یکدیگر متفاوت بودند. گروه دارای باورهای بدبینانه بالاترین و گروه دارای باورهای خوشبینانه کمترین نمره عملکرد ریاضی را دارا بودند. این نتایج نشان دهنده ارتباط نوع باورهای خودکارآمدی دانش آموزان با جنبه های انگیزشی، عاطفی و عملکردی در امور تحصیلی است. با توجه به برآورد غیر واقع بینانه دانش آموزان از کارآمدی تحصیلی خود، توصیه می شود درباره واقعی تر نمودن خودکارآمدی آنان چاره اندیشی شود.

ناج و اسوکز (۲۰۱۴) در پژوهشی با هدف بررسی توانایی های شناختی و ارتباط آن با عملکرد ریاضی طی یک بررسی همبستگی تعداد ۶۶ نفر را برای شرکت در پژوهش خود انتخاب کردند. از آزمون عملیات عددی برای ارزیابی عملکرد ریاضی استفاده شد. همچنین از توانایی کلامی و پردازش آن ها نیز برای ارزیابی سطوح شناختی شان استفاده شد. نتایج نشان داد که توانایی بالا در هر یک از سطوح شناختی با عملکرد بالا در ریاضیات مرتبط است. همچنین دیگر نتایج این بررسی نشان داد بهبود توانایی فراشناختی منجر به بهبود عملکرد ریاضی می شود.

وینا (۲۰۱۳) در مطالعه خود با هدف بررسی توانایی شناختی و تاثیر آن در عملکرد ریاضی کودکان، به تعامل رابطه این متغیرها پرداخت. پس از کنترل متغیر سن، نتایج پژوهش وی نشان داد که سطح بالای شناخت در کودکان منجر به بهبود عملکرد در ریاضی می شود و تسلط این کودکان را در پردازش درس ریاضی بالا می برد.

گالا و وود (۲۰۱۲) در بررسی خود با هدف مطالعه خودکارآمدی و رابطه آن با عملکرد ریاضی در دانش آموزان، عنوان کردند که عملکرد ریاضی تحت تاثیر متغیرهای زیادی قرار می گیرد. یکی از این متغیرها اضطراب دانش آموزان است که تا حدود زیادی عملکرد مطلوب را در آن ها کاهش می دهد. بر این اساس مطالعه دیگر عوامل مرتبط می تواند در بروز این مشکل کمک کند. یکی از این متغیرها خودکارآمدی است که در این پژوهش بدان پرداخته شد. تعداد ۱۳۹ دانش آموز برای شرکت در پژوهش در نظر گرفته شدند. نتایج نشان داد که سطح پایین خودکارآمدی در دانش آموزان پیش بینی کننده عملکرد پایین ریاضیات در آن ها می باشد.

اندرسون و اوسترگان در سال ۲۰۱۲ به بررسی توانایی فراشناخت و رابطه آن با عملکرد ریاضی در کودکان دارای ناتوانی یادگیری ریاضی پرداختند. کودکان ۱۱-۱۳ سال برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند. سپس جنبه های مختلف عملکرد شناختی و فراشناختی این کودکان مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این بررسی نشان داد که بین توانایی های فراشناختی و عملکرد ریاضی این کودکان رابطه معناداری وجود دارد. نقاط ضعف در ریاضی با جنبه هایی از پردازش به عنوان مثال برآورد تعداد خطوط، نمادها و عملکرد هایی از قبیل حافظه کاری و تجسم فضایی رابطه دارد.

#### بیان مساله

هدف اصلی از این تحقیق، بررسی رابطه انگیزش تحصیلی و مولفه های آن با پیشرفت تحصیلی سواد آموزان دوره انتقال شهرزابل بود.

فرض اصلی تحقیق عبارت بود از: بررسی رابطه انگیزش تحصیلی و مولفه های آن با پیشرفت تحصیلی سواد آموزان دوره انتقال شهرزابل وجود دارد.

فرض های فرعی تحقیق عبارت بود از:

- انگیزش تحصیلی و مولفه های آن با پیشرفت تحصیلی سواد آموزان دوره انتقال رابطه دارد.

#### تعیین حجم نمونه در این پژوهش

برای تعیین حجم نمونه در این پژوهش از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۰,۹۵ استفاده کردیم (به عبارت دیگر ۵ درصد خطا را تحمل می کنیم). ضمناً مقدار اشتباه مجاز در برآورد نسبت یک ویژگی خاص را برابر ۰,۰۵ در نظر می گیریم. ضمناً حجم جامعه کل نیز برابر با ۴۵ نفر می باشد.

در این صورت :

$$n = \frac{68 (1.96)^2 (0.25)}{68 (0.05)^2 + (1.96)^2 (0.25)} = 45$$

بنابراین حجم بهینه نمونه مساوی با ۴۵ نفر خواهد بود.

### ابزار سنجش:

روش های آماری: داده ها از طریق نرم افزار ( SPSS ۲۶ ) تجزیه و تحلیل شد. از شاخص های آمار توصیفی میانگین و انحراف استاندارد و شاخص های آمار استنباطی، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس برای تجزیه و تحلیل داده ها، استفاده گردید.

### معرفی ابزار پژوهش

۱- پرسشنامه استاندارد انگیزش تحصیلی هارتر (۱۹۸۱، ۱۹۸۰)

پرسشنامه استاندارد انگیزش تحصیلی هارتر شامل ۳۳ گویه و هدف آن بررسی انگیزش تحصیلی در بین دانش آموزان می باشد. این ابزار شکل اصلاح شده مقیاس هارتر (۱۹۸۱، ۱۹۸۰) به عنوان یک ابزار سنجش انگیزش تحصیلی است. همان گونه که بیان شد مقیاس اصلی هارتر، انگیزش تحصیلی را با سؤال های دوقطبی می سنجد که یک قطب آن انگیزش درونی و قطب دیگر انگیزش بیرونی است و پاسخ آزمودنی به موضوع هر سؤال فقط می تواند یکی از دلایل بیرونی یا درونی را دربرداشته باشد. از آنجا که در بسیاری موضوع های تحصیلی انگیزه های درونی و بیرونی هر دو نقش دارند، لپر و همکاران (۲۰۰۵) مقیاس هارتر را به شکل مقیاس های معمول درآوردند که هر سؤال تنها یکی از دلایل انگیزش درونی و بیرونی در نظر می گیرد.

### تعریف مفهومی متغیر پرسشنامه

به طور کلی انگیزش پیشرفت . سازه انگیزش تحصیلی به رفتارهایی که برای یادگیری و پیشرفت در تحصیل مربوط است، اطلاق میشود تحصیلی به عنوان یکی از انگیزه های پیشرفت، نیرویی درونی است که یادگیرنده را به ارزیابی همه جانبه عملکرد خود با توجه به عالیترین معیارها، تلاش برای موفقیت در عملکرد و برخورداری از لذتی که با موفقیت در عملکرد همراه است، سوق میدهد (ظهیری و رجبی، ۱۳۸۸).

مقیاس پرسشنامه

باشد. این پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت (هیچ وقت، ۱؛ به ندرت، ۲؛ گاهی اوقات، ۳؛ اکثر اوقات، ۴؛ تقریباً همیشه، ۵) می

( توجه مقیاس لیکرت در انتهای پرسشنامه کاملاً توضیح داده شده است).

گزینه	هیچ وقت	به ندرت	گاهی اوقات	اکثر اوقات	تقریباً همیشه
امتیاز	1	2	3	4	5

مدل انگیزش تحصیلی

باشد در صورتی که تحقیق شما از دو متغیر تشکیل شده است مدل خالی را با مشاهده مدل توجه شکل زیر یک مدل آماده بر تحقیق شما می

تکمیل شده پر کنید و در صورتی که تحقیق شما فقط یک متغیر دارد مدل خالی و فلش را پاک کنید.

نمره گذاری پرسشنامه

این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت می باشد که از ۱ تا ۵ نمره گذاری شده است.

به دو طریق می توان از تحلیل این پرسشنامه استفاده کرد

A. های پرسشنامه تحلیل بر اساس مولفه

B. تحلیل بر اساس میزان نمره به دست آمده

C. البته این شیوه نمره گذاری در سوال های ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۰، ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۱، ۲۷ و ۳۱ معکوس خواهد شد (بر طبق جدول زیر):

گزینه	هیچ وقت	به ندرت	گاهی اوقات	اکثر اوقات	تقریباً همیشه
امتیاز	۵	۴	۳	۲	۱



### تحلیل بر اساس مولفه های پرسشنامه

ها داده ها را وارد نرم افزار اس پی اس کنید. البته ها را بین جامعه خود تقسیم و پس از تکمیل پرسشنامه به این ترتیب که ابتدا پرسشنامه قبل از وارد کردن داده ها شما باید پرسشنامه را در نرم افزار اس پی اس تعریف کنید و سپس شروع به وارد کردن داده ها کنید.

چگونگی کار را برای شفافیت بیشتر به صورت مرحله به مرحله توضیح می دهیم

مرحله اول. وارد کردن اطلاعات تمامی سوالات پرسشنامه ( دقت کنید که شما باید بر اساس طیف لیکرت عمل کنید مثلا اگر شخصی سوال ۷ پرسشنامه را خیلی کم انتخاب کرده است شما باید در پرسشنامه در جلوی سوال ۷ عدد ۱ ( خیلی کم ) را بگذارید.

و X) کنید. مثلا اگر مولفه اول compute پس از وارد کردن داده های همه سوالات، سوالات مربوط به هر مولفه را کمپیوت (مرحله دوم

ایجاد شود. X کنید تا مولفه compute سوالات آن ۱ تا ۷ است شما باید سوالات ۱ تا ۷ را

کنید تا compute به همین ترتیب همه مولفه ها را ایجاد کنید و پس از این کار در نهایت شما باید همه مولفه ها که ایجاد کردید را با هم این بار متغیر اصلی تحقیق به وجود بیاید که به طور مثال متغیر مدیریت دانش یا ... است.

ها را به وجود آورده اید و هم متغیر اصلی تحقیق را؛ حالا می توانید از گزینه آنالیز هر آزمونی که می خواهید مرحله سوم. حالا شما هم مولفه برای این پرسشنامه (متغیر) بگیرید.

مثلا می توانید آزمون توصیفی ( میانگین، انحراف استاندارد، واریانس) یا می توانید آزمون همبستگی را با یک متغیر دیگر بگیرید.

تحلیل بر اساس میزان نمره پرسشنامه  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

های به دست آمده را جمع کرده و سپس بر اساس جدول زیر قضاوت کنید. بر اساس این روش از تحلیل شما نمره

توجه داشته باشید میزان امتیاز های زیر برای یک پرسشنامه است در صورتی که به طور مثال شما ۱۰ پرسشنامه داشته باشید باید امتیاز های

زیر را ضربدر ۱۰ کنید

مثال: حد پایین نمرات پرسشنامه به طریق زیر بدست آمده است

تعداد سوالات پرسشنامه \* ۱ = حد پایین نمره

حد بالایی نمرات	حد متوسط نمرات	حد پایینی نمره
۱۶۵	۹۹	۳۳

- در صورتی که نمرات پرسشنامه بین ۳۳ تا ۶۶ باشد، میزان انگیزش تحصیلی در این جامعه ضعیف می باشد.
- در صورتی که نمرات پرسشنامه بین ۶۶ تا ۹۹ باشد، میزان انگیزش تحصیلی در سطح متوسطی می باشد.
- در صورتی که نمرات بالای ۹۹ باشد، میزان انگیزش تحصیلی بسیار خوب می باشد.

#### روایی و پایایی پرسشنامه

گیری در شرایط گیرد یعنی اینکه ابزار اندازه‌قابلیت اعتماد یا پایایی یک ابزار عبارت است از درجه ثبات آن در اندازه گیری هر آنچه اندازه می دهد. یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی به دست می

بدهد. بدست آمده است که به ترتیب SPSS پایایی این پرسشنامه توسط پهنی و رجبی (۱۳۸۸) با آزمون آلفای کرونباخ با استفاده از نرم افزار بالای زیر می باشد.

میزان آلفای کرونباخ	نام متغیر
۰/۹۲	انگیزش تحصیلی

#### الف. نکات ضروری برای تکمیل پرسشنامه

- در صورتی که اعضای نمونه شما پرسشنامه را بدون دقت تکمیل کند پژوهش شما به انحراف کشیده می شود. پس مطمئن شوید که شخصی که پرسشنامه را تکمیل می کند به اندازه کافی وقت دارد.
  - به اعضای نمونه اطمینان بدهید که اطلاعات آنها در نزد شما کاملاً محرمانه می باشد.
  - سعی کنید در زمانی پرسشنامه را در اختیار اعضا نمونه قرار دهید که زمان کافی داشته باشد.
  - ضرورت پژوهش را برای آنها توضیح دهید که با دقت بیشتری پرسشنامه را تکمیل کنند.
- ب. مقیاس چیست؟
- ها یا اعداد هستند که می توان آن را به آزمودنی یا رفتار او نسبت داد و نشاندهنده خصوصیات یا عملکردی هستند که قرار مجموعه ای از نشانه است اندازه گیری شود. پرسشنامه ای که اکنون استفاده می کنید بر اساس مقیاس لیکرت می باشد.
- خصوصیات مقیاس لیکرت

- متداولترین روش مقیاس گذاری در جامعه شناسان و روانشناسان
- نظر سنجی عقاید براساس پاسخهای متفاوت
- معمولاً در یک مقیاس ۵ تایی یا ۷ تایی از توافق تا عدم توافق
- حذف موارد بی تفاوت، بی رابطه و ابهام آور
- انواع پاسخ های لیکرت که شما می توانید استفاده کنید.
- کاملاً موافق / کاملاً مخالف • بسیار رضایت بخش / بسیار ناراضی • بسیار مناسب / بسیار نامناسب

بسیار خوب / بسیار ضعیف • بسیار مطلوب / بسیار نامطلوب • بسیار حمایت گر / عدم حمایت مطلق  
۲- معدل نمرات دوره انتقال سواد آموزان شهرستان زابل در سال تحصیلی ۱۴۰۰

### روش کار

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه سواد آموزان دوره انتقال شهرزابل می باشد که در سال تحصیلی ۱۴۰۰ در یکی از کلاس های دوره انتقال مشغول به تحصیل هستند نمونه پژوهش حاضر ۴۵ نفر تعیین شد که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چندمرحله ای انتخاب شدند .

روش اجرا :اطلاعات مورد نیاز پژوهش با اجرای پرسش نامه ها به صورت گروهی بر روی نمونه های موردنظر به دست آمد.

### بحث و نتیجه گیری

فرضیه - بین انگیزش تحصیلی با پیشرفت تحصیلی سواد آموزان دوره انتقال رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول-همبستگی بین انگیزش تحصیلی با پیشرفت تحصیلی سواد آموزان

پیشرفت تحصیلی		متغیر مستقل		متغیر وابسته
سطح معناداری	همبستگی	تعداد		
۰/۰۰۱	۰/۱۱	۴۵	انگیزش تحصیلی	

برای آزمون وجود رابطه انگیزش تحصیلی با پیشرفت تحصیلی سواد آموزان از همبستگی استفاده گردید، با توجه به نتایج این آزمون (مقدار  $r=0/11$  و سطح معنی داری  $0/001$ )، می توان اظهار داشت که بین انگیزش تحصیلی با پیشرفت تحصیلی سواد آموزان با اطمینان لازم رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه مورد نظر تایید می شود.

فرضیه - بین مولفه انگیزش درونی (انگیزش تحصیلی) و پیشرفت تحصیلی سواد آموزان رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول-همبستگی بین مولفه انگیزش درونی (انگیزش تحصیلی) و پیشرفت تحصیلی سواد آموزان

سرزندگی تحصیلی			متغیر مسدل	
سطح معناداری	همبستگی	تعداد		
۰/۰۰۱	۰/۳۹	۴۵	اعتماد دانش آموزان (خوش بینی تحصیلی)	

برای آزمون وجود رابطه بین مولفه انگیزش درونی (انگیزش تحصیلی) و پیشرفت تحصیلی سواد آموزان از همبستگی استفاده گردید، با توجه به نتایج این آزمون (مقدار  $r=0/39$  و سطح معنی داری  $=0/001$ )، می توان اظهار داشت که بین مولفه انگیزش درونی (انگیزش تحصیلی) و پیشرفت تحصیلی سواد آموزان با اطمینان لازم رابطه معناداری وجود دارد . بنابراین فرضیه مورد نظر تایید می شود.

فرضیه - بین مولفه انگیزش بیرونی (انگیزش تحصیلی) و پیشرفت تحصیلی سواد آموزان رابطه معنی داری وجود دارد. جدول همبستگی بین مولفه انگیزش بیرونی (انگیزش تحصیلی) و پیشرفت تحصیلی سواد آموزان

سرزندگی تحصیلی			متغیر ۱
سطح معناداری	همبستگی	تعداد	
۰/۰۰۱	۰/۲۲	۴۵	تاکید تحصیلی (خوش بینی تحصیلی)

برای آزمون وجود رابطه بین مولفه انگیزش بیرونی (انگیزش تحصیلی) و پیشرفت تحصیلی سواد آموزان از همبستگی استفاده گردید، با توجه به نتایج این آزمون (مقدار  $r=0/22$  و سطح معنی داری  $=0/001$ )، می توان اظهار داشت که بین انگیزش بیرونی (انگیزش تحصیلی) و پیشرفت تحصیلی سواد آموزان با اطمینان لازم رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه مورد نظر تایید می شود.

هدف از مطالعه ی حاضر، تعیین میزان رابطه ی انگیزش تحصیلی و پیشرفت تحصیلی سواد آموزان بود . یافته های پژوهش نشان داد که انگیزش تحصیلی و مولفه های آن (انگیزش بیرونی ، انگیزش درونی )با پیشرفت تحصیلی سواد آموزان رابطه معناداری دارد.

### پیشنهادات کاربردی

### موانع یادگیری بزرگسالان و راه حل های آن

از آنجاییکه منظور ما از آموزش ، آموزش بزرگسالان می باشد و مباحث مورد بحث در زمینه های تکنیک و شیوه های تشویق نیز به راهکارهای قابل اجرا در آموزش بزرگسالان پرداختیم جا دارد در زمینه موانع مطرح در فرآیند یادگیری بزرگسالان با توجه به تکامل و تغییرات جسمانی ، گنجینه اطلاعات و تجربیات نیز بحث مختصری داشته باشیم.

روش آموزش بزرگسالان

چون بزرگسالان از تجربه و پیش ساخت های ذهنی قوی برخوردارند و از طرفی ضعفها و قوت های روحی و جسمانی (ضعف شنیداری و دیداری) دارند، به طور مسلم روش های خاصی درباره آنها مفید واقع می شود؛ روش هایی چون گفتگو و بحث (روش سقراطی).

#### محتوای مواد آموزشی بزرگسالان

بزرگسالان به دلیل محدودیت های زمانی که معمولا با آن روبه رو هستند و با توجه به استلزام برآوردن فوری نیازهای آموزشی آنها، مطالب و مواد آموزشی باید به طور فشرده تدریس شود و ارتباط نزدیک میان مواد و مطالب آموزش با تجارب و واقعیات زندگی آنها مدنظر قرار گیرد.

#### زمان و مکان آموزش بزرگسالان

زمان و مکان آموزش های مدرسه ای (رسمی) کودکان و نوجوانان معمولا مشخص است. حال آن که آموزش بزرگسالان زمان و مکان معینی ندارد. آنها گاه در مدارس و زمانی در مزارع، کارخانه و محل کار، خانه و... تعلیم می بینند و گاهی از موسسات و مراکز اجتماعی چون مساجد و منازل یا موسسات بهداشتی و رفاهی استفاده می کنند و معمولا زمان تشکیل این گونه کلاس های آموزشی متناسب با اوقات فراغت و بیکاری بزرگسالان تنظیم می شود و برخلاف کودکان آموزش بزرگسالان تنها بخش کوچکی از فعالیت های روزانه آنها را تشکیل می دهد.

#### متصدیان آموزش بزرگسالان

از دیگر عناصر آموزشی، معلم و طرز کار اوست. متاسفانه بخش عمده آموزش بزرگسالان به افرادی تخصص می یابد که با روش های آموزش بزرگسالان و اصول تدریس و روان شناسی مربوط به بزرگسالان آشنایی لازم را ندارند و بدون تفحص و دانش کافی وارد این حیطه می شوند که منجر به نتایج نامطلوب خواهد شد. بزرگسالان خصوصیات فردی و یادگیری ویژه ای دارند که آموزشیاران و متصدیان آموزش بزرگسالان باید بر آنها واقف باشند.

برخی از این خصوصیات به قرار زیر هستند:

اضطراب: بیشتر بزرگسالان هنگام شرکت در کلاس های آموزشی دچار نگرانی و اضطراب می شوند. دلیل عمده نگرانی آنها این است که بزرگسالان معمولا آموزش را فعالیتی می دانند که به کودکان و نوجوانان اختصاص دارد. عامل دیگری که در بسیاری موارد باعث نگرانی بزرگسالان می شود تضادی است که معمولا میان اطلاعات و معلومات گذشته آنها با دانش یا مهارت های جدید وجود دارد. چنین تضادی در هر کجا که باشد عامل بازدارنده ای است که از یادگیری مطالب تازه جلوگیری می کند.

ایجاد محیط دوستانه و آرام و تشویق به موقع آنان و شرکت دادن همه افراد در بحثها و فعالیت های گروهی ، تعدیل کننده اضطراب بزرگسالان خواهد بود.

درک بزرگسال از خویشتن

خویشتن: استنباطی که فرد از خود دارد و تصویری که از مشاهده کار خویش در موقعیت های مختلف به دست می آورد و خصوصیات و صفاتی که به خود نسبت می دهد در مجموع مفهومی است که درباره خویش دارد. مفهوم و تصویری که هر فرد درباره خود دارد به تدریج با افزایش و گسترش تجربیات وی تغییر می کند.

از ویژگی های بسیار مهمی که در آموزش بزرگسالان باید مورد توجه قرار گیرد درک و تصور فرد از خویشتن است. بزرگسالان با پشت سر گذاشتن دوران بلوغ ، تشکیل زندگی مستقل ، شرکت در فعالیت های گوناگون اجتماعی ، به عهده گرفتن مسوولیت های اقتصادی ، شغلی و مانند آن تصور خاصی از خود دارند. آنها خود را با خصوصیات و صفات معینی مورد توجه قرار می دهند و معمولا نقاط قوت و ضعف خویش را می شناسند، تصویری که فرد از خود دارد تا حدی تعیین کننده فعالیت هایی است که انجام می دهد. این مساله در تعلیم و تربیت افراد صادق است.

در حقیقت در بیشتر موارد بزرگسالان به علت شکستهایی که در گذشته داشته اند خود را در ادامه فعالیت های آموزشی و یادگیری ناتوان می بینند، ولی با کمک کردن به آنها می توان تصویری را که از خود دارند تغییر داد و بر میزان موفقیتشان در فعالیت های آموزشی افزود. از این رو مرئبان نیاز به شناخت ، آگاهی و درک نسبتا کاملی از بزرگسالان دارند تا بتوانند در غلبه به این گونه ناتوانی ها به یاریشان بشتابند.

انگیزه: از عوامل مهم یادگیری است. محرکی که شخص را برای رسیدن به هدف وادار به فعالیت می کند. آموزش بزرگسالان از نظر انگیزش افراد برای یادگیری با کودکان تفاوت دارد. بسیاری از بزرگسالان خود محرک خویشند و به این دلیل در کلاس شرکت می کنند که می خواهند. آنها چون در تصمیم گیری شان موثرند دارای انگیزه یادگیری قوی تری هستند. بسیاری از کودکان در مقایسه با بزرگسالان به دلیل اجبار و عدم میل و رغبت در انتخاب کلاسها انگیزه کافی برای فراگیری ندارند.

سرعت یادگیری: سرعت افراد متفاوت است. افراد مسن معمولا کارها را با دقت بیشتر ولی با سرعت کمتری انجام می دهند؛ بنابراین یکی از موارد آموزش بزرگسالان این است که به افراد برای انتخاب سرعت یادگیری خود آزادی لازم داده شود تا بر مبنای توانایی ها و خصوصیات جسمی و ذهنی خود عمل کنند و فعالیت های آموزشی را براساس مدت زمان مورد نیاز انجام دهند. تاثیر سرعت عمل بر یادگیری ، غیرقابل انکار است. کودکان و نوجوانان به دلیل داشتن سرعت عمل بیشتر می توانند در

مقایسه با بزرگسالان در یک زمان معین تکرار و تمرین داشته باشند؛ در حالی که بزرگسالان به دلیل کندی عمل به مدت زمان بیشتری نیازمندند تا مطلب یکسانی را بیاموزند.

امروزه آموزش مداوم و بزرگسالان در بیشتر کشورها و به تبع آن دانشگاه های این کشورها که محرک اصلی به روزرسانی و تولید دانش کشور هستند مورد توجه سیاستمداران و دولتمردان است تا حدی که در برخی از کشورها بودجه ای که به آموزش بزرگسالان اختصاص داده می شود بیشتر از بودجه آموزش و پرورش رسمی (مقاطع دبستان، راهنمایی و دبیرستان) است.

آموزش بزرگسالان و مداوم آموزش و پرورش موثر و جدی است که چتر پوششی آن تمام اقشار جامعه از بیسواد تا تحصیلکردگان تحصیلات تکمیلی، دارندگان مشاغل مختلف، زنان و مردان و جوانان و پیران را دربرمی گیرد؛ روایت قدیمی زگهواره تا گور دانش بجوی که هر روز نیاز آن بیش از پیش در سراسر جامعه به وضوح حس می شود.

#### عوامل کندساز آموزش بزرگسالان عبارتند از :

۱- تعلیم بیش از اندازه - آنچه را می خواهند تعلیم دهند تجزیه کنند و مطالعه نمایند که فراگیران چگونه آنرا جذب می کنند

۲- تند آموزش دادن (آموزش شتابزده) - روش آموزش را تجزیه کنند، ببینند آیا فراگیر بدون زحمت مطالب را درک می کند

۳- ترس از کار - چگونگی دوری از اشتباه را توضیح دهید، ایجاد اعتماد کنید و چنانچه فردی نتوانست ترس را از خود دور کند برای آموزش دیگری در نظر گرفته شود.

۴- پیگیری موضوع - موضوع را به چند مرحله آموزش تقسیم کنند و مراحل را طوری ترتیب دهند که فراگیر بتواند آنرا یاد بگیرند

۵- عدم تمرکز حواس - گوشزد کردن نتیجه کار، نصیحت و متوجه کردن افراد به مطالب مهم

۶- نگرانی و ناراحتی - فراگیر را در وضع راحتی قرار داده و نگرانی او را برطرف نمایند.

۷- کند ذهنی - در نظر گرفتن استعداد فراگیر و آموزش همراه با صبر و حوصله

۸- نقص بدنی - در نظر گرفتن وضع بدنی فراگیران و استفاده از وسایل آموزشی موثر

۹- عدم مهارت - به فراگیر در کسب مهارت و دقت ، کمک شود .

۱۰- نکات پیچیده و مبهم - توضیح همراه با مثالهای گوناگون و نزدیک به ذهن فراگیران

۱۱- کاهش توانایی حسی و حرکتی - توانایی های حسی و حرکتی در سنین بزرگسالی مانند قدرت بینایی ، شنوایی به تدریج رو به کاهش می گذارد که این ویژگی ها باید مورد توجه قرار گیرد.

۱۲- ویژگی های عاطفی - ویژگی های عاطفی ، تجارب آموخته شده ، سازمان فکری و سایر خصوصیات روانی بزرگسالان با کودکان متفاوت است . لذا توجه به این خصوصیات امر یادگیری را تسهیل می نماید

۱۳- غیر اجباری بودن آموزش - کودکان به حکم ضرورت های اجتماعی ، فرهنگی ویا قانونی به مدرسه می روند ولی بزرگسالان اجباری برای این کار ندارند مگر فایده ای در این کار ببینند لذا آموزش ها باید کاربردی و متناسب با نیازهای شغلی و حرفه ای فراگیران باش.

### تفاوت آموزش بزرگسالان با خردسالان

یکی از بارزترین خصوصیات اجتماعی بزرگسالان که وجه تمایز آنها با خردسالان است .وسعت، تجربه، اطلاعات ومهارت هایی است که معمولاً در طول زندگی وبدون شرکت در کلاسها وبرنامه های آموزشی رسمی به دست آورده اند.



تجارب بزرگسالان ریشه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی یا حرفه ای دارد و در زمینه های مختلف است. وسعت تجربه، یکی از مزایای بزرگسالان از لحاظ آمادگی برای یادگیری محسوب می شود زیرا اطلاعات و دانش جدید با توجه به تجارب گذشته آنان به شکل کاملتر و جامعتر درمی آید و ساده تر فرا گرفته می شود. از سوی دیگر بزرگسالان بر اثر گذشت زمان و تجاربی که به مرور ایام کسب کرده اند شکل گرفته به صورت قاطع درآمده است به همین دلیل تغییر آن گاه به سختی امکان پذیر است. اگر اطلاعات و دانش جدید با تجارب گذشته مخالف باشد. بزرگسالان به سختی می توانند معلومات تازه را بپذیرند و روی تجارب خود خط بطلان بکشند برای اغلب بزرگسالان قبول اینکه اشتباه می کنند دشوار است، نمی توانند معلومات جدید را مخصوصاً اگر با معتقدات و ارزش های مورد قبول آنان در تضاد باشد بپذیرند. اگر مطالب و موارد آموزشی جنبه موضوعی داشته باشند کمتر مورد پذیرش بزرگسالان قرار خواهد گرفت. یکی دیگر از مشخصات اجتماعی بزرگسالان داشتن مسئولیت های مختلف است بزرگسالان برخلاف کودکان و نوجوانان مسئولیت های شغلی، خانوادگی، اقتصادی، و اجتماعی دارند که اغلب موارد بر فعالیت های آموزشی و مخصوصاً حضورشان در کلاس درس تاثیر می گذارد. اهمیت مسئولیت های فوق و اولویت عهده دار شدن آن از سوی بزرگسالان، معمولاً باعث می شود که وظایف آموزشی و از جمله حضور بزرگسالان در کلاس های درس تحت الشعاع قرار گیرد.

یکی دیگر از ویژگیهای بزرگسالان که با وسعت مسئولیت های آنان ارتباط مستقیم دارد محدودیت های زمانی و تراکم وظایف در واحد زمان است. اکثر کودکان و نوجوانان می توانند وقت زیادی را صرف فعالیت های آموزشی کنند. حال آنکه بزرگسالان معمولاً با کمبود وقت و فشارهای ناشی از تراکم وظایف و مسئولیت ها روبه رو هستند به همین دلیل اگر فرصت و امکان انتخاب روش برای بزرگسالان موجود باشد. آنها ناچارند روش آموزش خویش را به نحوی انتخاب کنند که میزان رضایتشان را بالا ببرد یا درجه نارضایتیشان را تقلیل دهد.

تفاوت نیازهای اجتماعی بزرگسالان با خردسالان عامل دیگری است که باید به آن توجه کرد، به طور کلی همه افراد بشر به برآوردن انواع نیازهای جسمانی از قبیل گرسنگی، تشنگی، خواب و ..... احتیاج دارند ولی بزرگسالان علاوه بر این گونه نیازها دارای مجموعه ای از نیازهای اجتماعی هستند، از قبیل موفقیت در شغل و حرفه، داشتن موقعیت اجتماعی و اقتصادی، توفیق در انجام وظایف خویش به عنوان والدین و.....

این گونه نیازها عوامل محرک یادگیری بزرگسالان است، از این رو آموزش بزرگسالان متوجه هدفی درآینده بسیار نزدیک است. نیازهای اجتماعی کودکان معمولاً جلب محبت توجه به تایید بزرگسالان دوستان و همکاران با کسب استقلال و مانند آن است.

در بسیاری از مواقع برآوردن این گونه نیازها خود به صورت هدف یادگیری کودکان درمی آید و کودکان تنها برای رسیدن به این اهداف برانجام فعالیت های آموزشی مشغول می شوند. نکات فوق روشن می کند که بزرگسالان بر خلاف کودکان، براساس نیازهای خاص آموزشی به کلاس درس جلب می شوند. ازاین رو باید به احتیاجات فردی، اجتماعی و یادگیری بزرگسالان توجه ویژه ای داشت. اگر به برنامه های آموزشی به نحوی تنظیم و ارائه شود که بابرآوردن این گونه نیازها ارتباطی نداشته باشد نمی توان انتظارداشت که بزرگسالان برای مدت طولانی درکلاس ها شرکت جویند یا از برنامه ای خاص استفاده کنند. بنابراین مشخصه دیگرآموزش بزرگسالان که تفاوت های زیادی باآموزش وپرورش کودکان ونوجوانان داردآزادی عمل آنها درترک

عمل آنها درترک تحصیل و خودداری ازشرکت درکلاسهای آموزشی است. براساس تحقیقاتی که جونزتر درباره علل ترک تحصیل بزرگسالان انجام داده است نشان داده که بیش ازیک چهارم کسانی که دربرنامه های آموزش بزرگسالان ثبت نام می کنند پس ازچندی کلاسها را ترک می گویند وازحضوردرکلاسها خودداری می کنند ۵۰ درصدازکسانی که ازشرکت درکلاسهای آموزشی خودداری کرده اندعمدتاً کمتربه دلیل کیفیت تدریس بوده است وعوامل بازدارنده ای ازقبیل بیماری، تغییرمحل زندگی، تغییرشغل، گرفتاریهای حرفه ای و خانوادگی دراین امردخلت داشته است.

یکی دیگر ازویژگیهای بزرگسالان آمادگی آنها برای تطبیق باشرايط معیارهای اجتماعی است بدین معنی که بزرگسالان درائرشداجتماعی وفکری که کسب کرده اند، مجموعه ای از معیارها و ارزشها را با توجه به فرهنگ خویش می پذیرند. هرفردبه تدریج می آموزدکه اجتماع چه انتظاراتی از او دارد و چه معیارهایی رابه منزله معیارهای طبیعی قابل قبول می دانند از این روبربزرگسالان درطول زندگی خود معمولاً کوشش می کنند نقشی را که اجتماع ازآنهاانتظاردارندایفاکنند وبدین ترتیب تمایلات وانگیزه های شخصی آنان غالباً تحت الشعاع قرارمی گیرند.

بزرگسالان تنهاتاحدودی که نقش ووظایفشان به آنها اجازه دهددرفعالیت های آموزشی شرکت می کنندومعمولاً براساس آنچه جامعه ازآنان انتظارداردعمل می کنند.

#### شیوه های یادگیری بزرگسالان

برنامه های سنتی پی . ای . آر، شامل فراهم کردن فرصت هایی برای ارتقاء سطح تخصصی مدرسان می باشد. وقتی برنامه های آموزشی را مد نظر دارید، علی رغم ویژگی های مشترک در آموزش خردسالان و بزرگسالان توصیه می شود تفاوت شیوه های یادگیری افراد بزرگسال مد نظر قرار گیرد. برخی از افراد کارهای عملی را بهتر یاد می گیرند، حال آنکه سایر افراد شیوه آموزش های فرموله شده (مثل سخنرانی) را ترجیح می دهند .

تحقیقات حاکی از تفاوت فاحش شیوه های یادگیری بزرگسالان و خردسالان است. بعلاوه، از آنجاییکه در روند یادگیری نوع برخورد بزرگسالان همانند کودکان نیست، در آموزش بزرگسالان نمی توان از تکنیک های مورد استفاده در آموزش کودکان بهره جست و لازم است بیشتر به الگوی عملی به جای الگوهای محتوایی و تئوری پرداخته شود. ( کارنتون ۱۹۸۹ )

الگوی آموزش محتوایی که معمولا برای آموزش کودکان از آن بهره می جوئیم، متکی بر فرد ( معلم ) است که تعیین کننده نوع دانش و مهارت و سرفصل آموزشی است. بالعکس در آموزش بزرگسالان که بیشتر بر فعالیت های عملی در محیط همکاری تکیه دارد، فراگیران نیاز به منابع خاصی برای کسب دانش، مهارت مطابق با نیازهای فردی دارند. به طور کلی، در فرضیه ها و تدوین الگوهای مورد نظر تدریس کودکان و بزرگسالان تفاوت های فاحشی وجود دارد. ( کرانتون ۱۹۸۹، لادوسکی ۱۹۹۳ )

لازم به ذکر است که بزرگسالان در دسترسی به منابع اطلاعاتی و دانش اندوزی در مقایسه با خردسالان مهارت بیشتری دارند. در زمینه شیوه آموزش بزرگسالان نمی توان از تئوری مشخصی بهره جست که تمامی نیازهای آنان را برآورد نماید، چرا که نیازهای بزرگسالان متنوع است آنها و با تجربیات و فرهنگ مختلف وارد محیط آموزشی می شوند. ( الیاس، ماریام ۱۹۹۵ ) به هر تقدیر، با مراجعه به مجموعه ای از تئوری های متفاوت در زمینه یادگیری می توان به ماهیت متفاوت یادگیری بزرگسالان پی برد.

#### تئوری های آموزش بزرگسالان

شیوه فراگیری از جمله ویژگی های فردی است که فرد براساس تجربه نسبت به آن واکنش نشان داده و آنرا تحلیل می کند ( کراهام ۱۹۹۳، ص ۱۷ ). بر اساس تئوری کلب ( Kolb 1985 )، هر فردی با اتکا بر مهارت های یادگیری در برابر توانایی های فردی خود می تواند زمینه رشد و ارتقاء لازم برای یادگیری را فراهم سازد و به نقطه عطف یادگیری برسد. به علاوه، الگوهای یادگیری تجربی کلب بر این فرض استوار است که فراگیران در طول یادگیری رفتارهای خاصی از خود نشان می دهند و به همین دلیل در مرحله اجرا می توان از ۴ شیوه مجزا به طور همزمان بهره برداری نمود.

۴ شیوه مورد اشاره عبارت است از :

۱- شیوه همگرا - لازمه شیوه همگرا تفکر، تحلیل و کاربرد عملی معنی و مفاهیم جدید است. کاربرد عملی معنی و مفاهیم نشانه نقطه قوت فراگیر است. فراگیر همگرا، داده ها و اطلاعات را طی استدلال فرضی - قیاسی سازمان دهی می نماید. تاکید مورد نظر در شیوه یادگیری همگرا تفکر منطقی و پایدار، تا حدودی بدور از احساسات است.

۲- شیوه واگرا - در شیوه واگرا نیاز به دانش برای درک مستقیم می باشد. در این شیوه فراگیران ترجیح می دهند به کمک استعدادها و توانایی های قوه تخیل خود و بکار بستن توانایی خود برای درک موقعیت های پیچیده، از افق دید متنوع تری برخوردار شوند. به همین دلیل از نظر آنان شیوه توانمندی تکمیل اطلاعات، در کل معنی دار می گردد. در این شیوه توانایی قدرت تخیل فرد نقطه قوت فراگیر است.

۳- شیوه تحلیل گرا - توانمندی خلق الگوهای تئوریک و منطق استنتاجی، نقطه قوت فرد تحلیل گرا می باشد. تحلیل گراها با فکر کردن و تحلیل کردن و سپس برنامه ریزی و بازگو کردن یاد می گیرند. تحلیل گرا ها هیچ گونه اصراری بر کارهای عملی ندارند و بر یادگیری تئوری ها تاکید دارند و آن را ترجیح می دهند حتی در مواقعی که حقایق بر تئوری ها منطبق نباشند از حقایق چشم می پوشند.

۴- شیوه همراه گراها - همراه گراها برعکس تحلیل گراها، در صورت عدم انطباق واقعیت با تئوری، تئوری را کنار می گذارند. همراه گراها در هر جا که لازم باشد از تئوری ها در شرایط خاصی بهره مند می شوند. نقطه قوت آنها زمانی است که بتوانند کاری انجام دهند و تجربه جدیدی را کسب کنند. همراه گراها با درک مستقیم، شیوه آزمایش، خطا و گرفتن اطلاعات از سایرین نه از طریق توان تحلیلی خود، به حل مشکلات می پردازند.

الگوی پیشنهادی «کلب» حاکی از آن است که فعالیت یادگیری باید بر اساس پاسخ گویی به ویژگی و امتیاز شیوه یادگیری فراگیر استوار باشد، در عین حال تشویق فراگیران به استفاده و بهره مندی از سایر شیوه های فراگیری مدنظر می باشد. شرایط و محیط یادگیری حداقل می تواند در تعیین شیوه آموزش اثر داشته باشد. در این راستا، شیوه ابتکاری آموزشی کلب (۱۹۸۵)

می تواند ابزار موثری باشد.

الگوی شیوه های آموزشی که کلب مطرح کرد (۱۹۸۵) در ابتدا بر مراحل شناختی اطلاعات متمرکز بود. سایر الگوهای شیوه یادگیری بزرگسالان حاکی از چند وجهی بودن و شامل متغیرهای متنوع، بیش از همه دارای ماهیت غیر شناختی است، این الگوها شامل اصول

شیوه های یادگیری انجمن ملی مدارس راهنمایی (NASSP) (کیف و مانک ۱۹۸۶) والگوی شیوه یادگیری دان و دان (دان، دان و پرایس ۱۹۷۹) است.

زیر ساز دوالگوی مورد اشاره این باور است که مراحل فراگیری از نظر زیستی بر پایه چگونگی یادگیری با توجه به شرایط فیزیکی و محیطی است که باتثبیت خصیصه های فردی نظیر عملکرد احساسی و اجتماعی، چگونگی عملکرد شیوه یادگیری فردی شکل می گیرد. (موری - هاروی ۱۹۹۴).

دومورد از الگوهای شیوه یادگیری را که بخش هایی از آن در شرایط خاص یادگیری مورد استفاده است به شرح زیر دسته بندی شده است:

احساسی ( دارای انگیزه، مصر، مسئولیت پذیر، ساختارگرا )

محیطی ( نظیر صدا، روشنایی، دمای هوا، چیدمان کلاس )

اجتماعی (تاکید بر برابری، اختیار عمل )

فیزیکی ( تاکید بر شرایط کیفی، زمان در طول روز، جذابیت موضوع، پویایی )

NASSP و الگوهای یادگیری « دان و دان [۱]»، فرض را بر این می گذارند که یادگیری بزرگسالان در شرایط مورد اشاره مختلف است. برای نمونه، برخی از فراگیران دارای انگیزه فوق العاده، به شرایط محیطی آموزش که دارای نور کم و با عوامل مزاحم اندک، اهمیت می دهند. بر عکس، فراگیرانی که دارای انگیزه کمی هستند احتمالاً محیط آموزشی را ترجیح می دهند که دارای عوامل تحریکی دیداری باشد. این دسته از مخاطبان مدرسی را انتخاب میکنند که شیوه آموزش همکاری دو سویه و کمک گرفتن از افراد در آموزش را بکار گیرد ( برای نمونه بحث کلاسی، فعالیت های عملی و تجربی )

همانند الگوهای آموزشی NASSP و دان و دان، ایندورف [۲] و مک نف [۳] ( ۱۹۹۱ ) در الگوهای شیوه آموزش بزرگسالان بر ویژگی های احساسی و اجتماعی تاکید دارند. در این تحقیق یادگیری بزرگسالان را در ۵ گروه مشخص دسته بندی می نماید:

۱- با اعتماد به نفس :

- دارای انگیزه کارهای عملی، خودکاو، خودگردان،

- هدف محور

- دارای توانایی شناسایی و برآورد نیازهای یادگیری

- رقابت با خود نه با همگروه ،

- شیوه های آموزش تاثیر متقابل و تجربی

- مشتاق در تعامل و مشارکت

- الویت دادن به اهداف شخصی

۲- تحریک پذیر

- پاسخ گو به عناصر محرک در یادگیری

- دوستدار فضای مناسب آموزشی و روند یادگیری

- بی توجه به تخصص مدرس

- عشق به تحصیل و فراگیری بر ای خود یادگیری

- همراهی در یادگیری

۳- فراگیردر گذر

- اولویت دادن به گسترش و ارتقا استقلال تفکر

- دارای مشکل در هدف گذاری فردی برای یادگیری

- مایل به تعامل و بحث در یادگیری

- عدم تمایل به تغذیه اطلاعاتی

۳- کمال گرا

- به موفقیت خود اهمیت می دهد

- مایل به یادگیری در محیط های دارای حس همکاری بالا می باشد .

- ترجیح می دهد به عنوان شرکت کننده دارای هدف ومعلومات شناخته شود.

- ریسک پذیر

- از کارهای جدید لذت می برد و دوست دارد مفاهیم جدید را فرا بگیرد.

- دارای اعتماد به نفس کامل است .

ایندورف و مک نف ( ۱۹۹۱ ) با توجه به این تفاوت ها در شیوه یادگیری ، شیوه های خاصی را برای آموزش توصیه می کنند و راهکارهای که پاسخ گوی موارد خاص باشد را تحت عنوان پنج راه متفاوت در یادگیری مد نظر دارند . راهکار موارد خاص برای این پنج نوع به شرح زیر است :

#### ۱- فراگیران دارای اعتماد به نفس

- بهتر است اهداف تکالیف آموزش مشخص باشد

- شرکت کننده گان را تشویق شوند

- شرایطی برای تعامل فراگیر با همکلاسان فراهم نمایید

#### ۲- فراگیر تحریک پذیر

- تکالیف را کاملا توضیح دهید .

- فرصتی برای آموزش های فردی فراهم نمایید

#### ۳- فراگیران در گذر

- شرایطی فراهم نمایید که فراگیران تجربیات خود را توضیح دهند .

- فرض را بر روش همکاری بگذارید

- فرصت تلاش و دست و پنجه نرم کردن بیشتری فراهم نمایید

#### ۴- کمال گرا

- فرصتی برای خود گردانی فراهم نمایید .

- فراگیران را به انعطاف پذیری تشویق نمایید .

#### ۵- فراگیران ریسک پذیر

- تکالیفی را در نظر بگیرید که سبب تشویق فرد شود.

همانطور که قبلا اشاره کردیم ، بزرگسالان در علم آموزی تفاوت های چشمگیری در مقایسه با هم دارند ، هیچ تئوری نمی تواند تفاوت های یادگیری آنها را تحت پوشش قرار دهد . مجموعه ای از یافته های تحقیقی در مورد یادگیری بزرگسالان به موارد زیر اشاره می کنند:

#### - ساختار تجربه یادگیری

۱- بزرگسالان خواستار برنامه آموزشی منعطف هستند که پاسخگوی نیاز آنها بر اساس محدودیتهای زمانی ایشان باشد ،

۲- فراگیری بزرگسالان در آموزش انفرادی بیشتر است .

۳- بزرگسالان آموزش چهره به چهره را بر آموزش سمعی بصری ترجیح می دهند.

۴- بزرگسالان از فعالیت های دارای تاثیر متقابل بهره بیشتر می برند البته بر اساس سن، تجربیات ، مهارت ها تخصصی متفاوت است

#### - فضای یادگیری

۱- ظاهرا بزرگسالان در شرایطی که حمایت ها و کمکهای دوطرفه بین همکلاسی ها وجود دارد ، بهتر یاد می گیرند .

۲- از آنجاییکه قدرت ریسک پذیری فراگیران بزرگسال اندک است ، محیط آموزشی را باید بر اساس اعتماد و پذیرش بنا نهیم

۳- فراگیران بزرگسال نسبت به شرایط و محیط آموزشی انتظارات مشخصی دارند و انتظار دارند مدرسان آنها را برآورده نمایند



## - تمرکز فراگیران

- ۱- فراگیران بزرگسال از شیوه مدرسان نهایت استفاده را می برند ، چراکه مدرسان به آنها کمک می کند با باز گو کردن ، تحلیل و نقد و بررسی تجربیاتشان ، اندوخته ها و تجربیات خود را طبقه بندی نمایند.
- ۲- فراگیران بزرگسال به شیوه آموزشی که سبب ارتقاء استقلال آنها می شود ، بها می دهند ،
- ۳- فراگیران بزرگسال در کارهای عملی چگونه یادگیری انگیزه بیشتر دارند ،

## - راهکارهای آموزش - فراگیری و رسانه ها

- ۱- فراگیران بزرگسال به حل مشکلات و یادگیری به شیوه همکاری و تعاون اهمیت می دهند
- ۲- ظاهراً فراگیران بزرگسال از مشارکت فعالانه در مراحل آموزش بهره می برند .

## نتیجه گیری

در پایان باید گفت با توجه به دیدگاهها و نظریات مختلف اندیشمندان آموزش مهمترین عامل مؤثر دراز بین بردن فقر و بیسوادی افراد محسوب می شود و وظیفه افراد انسانی است که باید در اهمیت آن بکوشند و در بکارگیری امور زندگی شان تلاش کنند و زمینه را برای تعلیم و تربیت افراد فراهم نمایند.

فراگیر باید طوری تربیت شود که فکر بکند و کار بکند. او آن مقدار از واقعیت جهان را درک خواهد نمود که تجربه کرده باشد . همچنانکه ذکر شده آموزش باید بصورت مداوم صورت گیرد و مربوط به همه افراد باشد و این آموزش باید مؤثر و در طول دوران زندگی اش به درد بخورد.

در تعلیم و تربیت کودکان هدفهای بلندمدت و میان مدت از اهمیت بیشتری برخوردارند، ولی در بیشتر هدفهای آموزش بزرگسالان ، اهداف اصولاً کوتاه مدت هستند.

بزرگسالان مایلند آنچه می آموزند با نیازهای روزمره شان مربوط و بلافاصله قابل بهره برداری باشد، ولی برنامه های آموزشی مدرسه ای معمولاً متوجه اهدافی است که در آینده و احتمالاً آینده دور مورد استفاده قرار می گیرد، اما بزرگسالان چون در

زمینه های مختلف فعالیت می کنند و دارای مسوولیت های کاری، خانوادگی و اجتماعی هستند اطلاعات، دانش و مهارت هایی که کسب می کنند باید بلافاصله در هر یک از موارد فوق برایشان مورد استفاده واقع شود.

## منابع

- ابراهیمی قوام، صغری. خاقانی زاده، مرتضی (۱۳۸۷). نقش انگیزش در یادگیری. راهبردهای آموزش سال اول، شماره ۱.
- اتکینسون، ریتال. ال و همکاران (۱۳۸۴)؛ زمینه روان شناسی، رفیعی و همکاران، تهران، ارجمند، چاپ پنجم، جلد دوم، ص ۵۱ و ۵.
- اسلاوین، رابرت ای (۱۳۸۵). روان شناسی تربیتی، ترجمه سید محمدی، تهران: نشر روان.
- آبنیکی، الهام. (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین خودکارآمدی با شیوه های مقابله با فشار روانی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- بال ساموئل (۱۳۷۳). انگیزش در آموزش و پرورش، ترجمه: دکتر مسدّد، سید علی اصغر؛ شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- برومند، رضا. علی اکبر شیخی فینی (۱۳۸۸). پیش بینی عملکرد تحصیلی درس ریاضی از طریق باورهای انگیزشی (خودکارآمدی، ارزش گذاری درونی و اضطراب امتحان). مجله مطالعات روانشناسی تربیتی، شماره ۱۰، ص ۱۹
- بلوکی آزاده، دکتر علی دلاور، اسماعیل مام شریفی (۱۳۸۹). نقش مولفه های انگیزشی و نگرشی در پیشرفت در سرریاضی به منظور تدوین یک مدل ساختاری. فصلنامه اندازه گیری تربیتی، شماره ۳، ص ۱
- بندورا، آلبرت. (۱۹۷۷). نظریه یادگیری اجتماعی. ترجمه فرهاد ماهر. تهران: انتشارات راهگشا.
- پنتریج شانک (۲۰۰۲). انگیزش در تعلیم و تربیت (نظریه ها، تحقیقات و راه کارها)، ترجمه: مهرناز شهرآرایی، (۱۳۸۶)، تهران: انتشارات علم.
- جباری، حسن؛ خداپناهی، محمد کریم؛ حیدری، محمود (۱۳۸۶). بررسی مقایسه دانشجویان از لحاظ مسند مهارگذاری، باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خود نظم داده شده. فصل نامه اندیشه های نوین تربیتی، شماره ۵، دوره ۳.
- جعفری روشن، مرجان. (۱۳۸۸). رابطه بین باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خود نظم داده شده با خلاقیت در مدارس متوسطه شهر همدان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

جوادی، مرضیه. کیوان آرا، محمود. حسن زاده، اکبر. عبادی، زهرا(۱۳۸۹). رابطه بین آگاهی فراشناختی از راهبردهای مطالعه و وضعیت تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. مجله آموزش در علوم پزشکی. جلد ۱۰. شماره ۳. ۲۴۶-۲۵۴.

چالمه، رضا. (۱۳۹۰). بررسی تاثیر محیط یادگیری فراشناختی بر پیشرفت تحصیلی با واسطه‌گری باورهای انگیزشی در دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه شیراز. چونگ، کیم وو(۱۳۷۸). سنگ‌فرش هر خیابان از کلاست. ترجمه: محمد سوری، تهران: انتشارات مترجم.

حافظی کن کت حسین، حسین سپاسی، منیجه شهنی ییلاق(۱۳۸۸). بررسی مدل علی عملکرد قبلی، باورهای معرفت شناختی، جهت‌گیری هدف مهارت‌های خود تنظیمی، خودکارآمدی و عملکرد بعدی در درس ریاضی دانش‌آموزان سال اول دبیرستان‌های شهر دلفان. فصلنامه علوم تربیتی، سال پنجم، شماره ۳، ص ۷۳.

حجازی و همکاران (۱۳۸۵). عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان کشاورزی در دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.

حجازی، الهه؛ نقش، زهرا (۱۳۸۷). الگوی ساختاری رابطه ادراک از ساختار کلاس، اهداف پیشرفت، خودکارآمدی و خودنظم‌بخشی در درس ریاضی. فصل‌نامه تازه‌های علوم شناختی. شماره ۴، سال ۱۰.

حسن‌زاده، رمضان (۱۳۸۱). رابطه بین انگیزش، منبع کنترل و پیشرفت تحصیلی. تهران: فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۲.

حسین پورگنابادی، ریحانه (۱۳۸۷). بررسی مقایسه‌ای باورهای هوشی و باورهای خودکارآمدی دانش‌پژوهان پیش-دانشگاهی با عملکرد تحصیلی بالا و پایین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد واحد بیرجند.

حسینی رامشه، سید محمد (۱۳۷۷). بررسی رابطه مولفه‌های یادگیری خودنظم‌داده شده با هوش و پیشرفت تحصیلی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تبریز.

حسینی طباطبائی، ف؛ قدیمی مقدم، م (۱۳۸۶). بررسی علل پیشرفت تحصیلی دختران مقایسه با پسران استان‌های خراسان رضوی، شمالی و جنوبی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان، دانش و پژوهش در علوم تربیتی، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۸۶، صص ۱۴۷-۱۱۹.

خادمی، محسن؛ نوشادی، ناصر. (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین جهت‌گیری هدف با خودتنظیمی یادگیری و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان دوره پیش‌دانشگاهی شهر شیراز. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۲۵، شماره ۴، (پیاپی ۴۹)، صص ۶۳-۷۶.

خیر محمد، مسعود حسین چاری، محمود بحرانی (۱۳۹۱). رابطه سوگیری های خودکارآمدی ریاضی با انگیزش، عواطف و عملکرد تحصیلی در دانش آموزان دوره راهنمایی شهر شیراز. فصلنامه روانشناسی تربیتی، شماره ۲۴، ص ۱۴۳ دریل لیونور (۱۳۷۷)، کاربرد روانشناسی در تدریس. ترجمه پارسا، محمد، تهران: انتشارات بعثت.

دیوراجی، استیک (۱۳۸۵). انگیزش برای یادگیری (از نظریه تا عمل)، ترجمه: حسن زاده، رمضان و عموی، نرجس؛ دانشگاه فردوسی: انتشارات دنیای پژوهش.

رفیعیان، کیوان (۱۳۷۹). بررسی رابطه راهبردهای یادگیری خودگردان، مولفه های انگیزشی (خودکارآمدی، ارزش های درون زاد، اضطراب امتحان) و هوش با یکدیگر و با عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر سال دوم دبیرستان های شهر اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز.

روزنامه مستقل سراسری صبح ایران: <http://www.afarineshdaily.ir>

زارع حسین، علی احمدی ازغندی، اعظم نوفرستی، علی حسینی (۱۳۹۱). اثر آموزش فراشناختی حل مسئله بر ناتوانی یادگیری ریاضی. فصلنامه ناتوانی های یادگیری، شماره ۵، ص ۴۰.

سراج خرمی، ناصر. برومندنسب، مسعود. یگانه دوست، عصمت. رشتی سارا (۱۳۸۹). تاثیر آموزش های فراشناختی بر عملکرد تحصیلی درس ریاضی دانش آموزان مقطع راهنمایی. مجله فیزیولوژی گیاهی زراعی. شماره ۲ دوره ۱. ۶۷-۷۹. سیف، علی اکبر. (۱۳۸۶). روانشناسی پرورشی نوین. ویرایش ششم. تهران: نشر دوران.

سیف، علی اکبر (۱۳۸۹)، روانشناسی پرورشی نوین (روانشناسی یادگیری و آموزش)، ویرایش ششم، نشر تهران: دوران.

شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۰). نگاهی نو به روانشناسی آموختن یا روانشناسی تغییر رفتار. تهران: انتشارات چاپخش.

شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۱)، روانشناسی یادگیری و کاربرد آن در آموزش، تهران: انتشارات قدس.

شعبانی، حسن (۱۳۸۲). روش تدریس پیشرفته (آموزش مهارت ها و راهبردهای تفکر). تهران: انتشارات سمت.

شعبانی، محمد (۱۳۸۴). انگیزش. تهران: انتشارات بهار.

شفیع زاده، رسول (۱۳۸۵). انگیزه های درونی و بیرونی. تهران: انتشارات نور.

شمس فاطمه، فریبا تابع بردبار (۱۳۹۰). نقش واسطه ای خودکارآمدی تحصیلی در رابطه ی جهت گیری هدف و عملکرد ریاضی. فصلنامه روشها و مدل های روان شناختی، سال اول، شماره ۳، ص ۸۲

صادقی، زینب. محتشمی، رضا (۱۳۸۹). نقش فراشناخت در فرایند یادگیری. فصلنامه راهبردهای آموزش. شماره ۳ دوره ۲، ۱۴۸-۱۴۳.

- صفری، یحیی. محمدجانی، صدیقه (۱۳۹۰). کاربرد راهبردهای فراشناخت در تجربه های دانشجویان و ارتباط آن با سطح پیشرفت تحصیلی آن ها. رهیافتی نو در مدیریت آموزشی. دوره ۲، شماره ۳. ۴۱-۵۶.
- صمدی، معصومه (۱۳۹۰). رابطه جهت گیری انگیزشی و راهبردهای یادگیری در تبیین موفقیت تحصیلی. فصلنامه راهبردهای آموزش، شماره ۱۶، ص ۱۰۵.
- طاهری، ژاله (۱۳۸۹). تدوین الگوی شناسایی باورهای انگیزشی دانش آموزان دبیرستان های شهر تهران. دانشگاه علامه طباطبائی، پایان نامه دکترای تخصصی.
- ظهیری ناو، بیژن؛ رجبی، سوران (۱۳۸۸). بررسی ارتباط گروهی از متغیرها با کاهش انگیزش تحصیلی دانشجویان رشته ی زبان و ادبیات فارسی، مجله دانشور رفتار، سال شانزدهم، شماره ۳۶
- عابدی، احد (۱۳۸۶). بررسی فراتحلیلی عوامل موثر بر انگیزش تحصیلی دانش آموزان پسر دوره متوسطه. شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان اصفهان.
- فخری زهرا، عاطفه رضایی، شهلا پاکدامن و سارا ابراهیمی (۱۳۹۲). نقش واسطه ای باورهای خودکارآمدی تحصیلی در پیش بینی اهداف پیشرفت بر اساس عاطفه مثبت و منفی در نوجوانان. فصلنامه روان شناسی کاربردی، شماره ۲۵، صص ۵۵-۶۸
- فلاول، جان اچ (۱۹۸۷). رشد شناختی، ترجمه ی فرهاد ماهر (۱۳۷۷)، تهران. انتشارات رشد.
- فولادچنگ، محبوبه (۱۳۸۴). بررسی تاثیر آموزش فراشناختی بر پیشرفت تحصیلی درس ریاضی. فصلنامه نوآوری های آموزشی، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۱۶۲-۱۴۹.
- قاسمی پیربلوطی، محمد (۱۳۷۴). بررسی رابطه بین انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر دوره راهنمایی تحصیلی منطقه ۷ آموزش و پرورش در تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم. کدیور، پروین (۱۳۷۴). روان شناسی تربیتی، چاپ هشتم، تهران: سمت
- کدیور پروین، ولی اله فرزاد، مهدی دستا (۱۳۹۱). بررسی رابطه علی اهداف پیشرفت و راهبردهای خودتنظیمی با عملکرد حل مساله ریاضی. فصلنامه روانشناسی تربیتی، شماره ۲۳، ص ۹۵.
- کدیور، پروین (۱۳۸۶). روانشناسی تربیتی، تهران: انتشارات سمت.
- کرامتی هادی، شهر آرای، مهرناز (۱۳۸۳). بررسی نقش خودکارآمدی ادراک شده در عملکرد ریاضی. فصلنامه نوآوری های آموزشی، شماره ۱۰، ص ۱۰۳.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۷). روانشناسی تربیتی، تهران: انتشارات ارسباران.

کومبز باربارا مک، جیمز پاپ (۱۳۸۲). رهیافتها و راهکارهای عملی برای معلمان، ترجمه ابراهیمی قوام، صغری؛ تهران: انتشارات رشد.

لواسانی مسعود غلامعلی، هیمن خضری آذر، جواد امانی (۱۳۹۰). تفاوت های جنسیتی در خودکارآمدی، اهداف پیشرفت، ارزش تکلیف، درگیری شناختی و پیشرفت ریاضی. فصلنامه مطالعات اجتماعی - روان شناختی زنان، شماره ۲۷، ص ۷

محسن پور مریم، دکتر الهه حجازی، دکتر علیرضا کیامنش (۱۳۸۵). نقش خودکارآمدی، اهداف پیشرفت، راهبردهای یادگیری و پایداری در پیشرفت تحصیلی در درس ریاضی دانش آموزان سال سوم متوسطه ( رشته ریاضی ) شهر تهران. فصلنامه نوآوری های آموزشی، شماره ۱۶، ص ۹.

ملک پور ندا، علیرضا بخشایش، احمد زندوانیان نایینی، افشین صلاحیان (۱۳۹۲). رابطه بین استنباط دانش آموزان از نگرش والدین به ریاضیات و متغیرهای فردی با نمره درس ریاضیات در دانش آموزان سال سوم راهنمایی شهر اصفهان. دو فصلنامه رویکردهای نوین آموزشی، شماره ۱۶، صص ۵۳-۷۶

